

پیشگیری از اعتیاد از منظر رویکرد اجتماعی: نقش سرمایه اجتماعی

رضا عبدالرسولی^۱

چکیده

بسیاری از افراد نمی‌دانند که چرا و چگونه افراد دیگر به موادمخدر وابسته می‌شوند. آن‌ها ممکن است اشتبهاً فکر کنند که کسانی که از موادمخدر استفاده می‌کنند، فاقد اصول اخلاقی و اراده هستند و می‌توانند به راحتی به وسیله انتخاب خود، مصرف مواد را قطع کنند. وابستگی به موادمخدر بیماری پیچیده‌ای است که فرایند ترک آن معمولاً چیزی بیش از نیت و اراده را می‌طلبد و همانند هر بیماری دیگری نیاز به مراقبت و درمان دارد. همانند هر بیماری دیگری، فرد بیمار نیازمند این است که در طول درمان، شبکه حمایتی قوی داشته باشد تا بتواند به بهبودی و موفقیت درمان دست یابد. از جمله عوامل حمایت‌کننده در این زمینه سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی شبکه‌ای از روابط و پیوندهای مبتنی بر اعتماد اجتماعی بین فردی و بین-گروهی و تعاملات افراد با گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی است که انرژی لازم برای تسهیل‌کنش‌ها در جهت اهداف فردی و جمعی را فراهم می‌کند. وجود عوامل حمایت‌کننده مانند سرمایه اجتماعی برای پیشگیری و مبارزه با اعتیاد و بهبودی از آن امری ضروری است. در واقع می‌توان گفت موفقیت اجتماعی - شدن امر مبارزه با موادمخدر وابسته به کم و کیف سرمایه اجتماعی است. شواهد پژوهشی نیز حاکی از نقش و اهمیت سرمایه اجتماعی در پیشگیری از اعتیاد و مبارزه با موادمخدر است. بنابراین شناخت همه‌جانبه و صحیح از پدیده اعتیاد و برنامه‌ریزی در راستای افزایش سرمایه اجتماعی و عوامل حمایت‌کننده می‌تواند راهگشای برنامه‌ریزی و موفقیت هر چه بیشتر در اجتماعی کردن مبارزه با موادمخدر باشد.

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی، موادمخدر، پیشگیری

۱. دبیر علمی گروه علوم اجتماعی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، ایران.

مقدمه

مشکل اعتیاد یکی از معضلات بهداشتی، روانی و اجتماعی جهان امروز است. در طول سال‌های گذشته اعتیاد به داروهای قانونی و غیرقانونی بسیار فراگیر شده است. گسترش این روند تیشه بر ریشه بنیادهای اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی یک جامعه می‌زند و آن را از درون دچار فساد کرده و به انحطاط می‌کشد. این مشکل امروزه چنان خودنمایی می‌کند که هیچ کشوری نمی‌تواند خود را کاملاً از آن مصون بداند. اعتیاد دارای عوارض و پیامدهای بی‌شمار روانی (مثل افسردگی، اضطراب، روان‌پریشی و ...) و اجتماعی (مثل سرقت، فحشا، خشونت و ..) است. از طرف دیگر اعتیاد، افراد را مستعد پذیرش فرهنگ‌های پوچ و مخرب می‌نماید. سوء مصرف مواد اثرات بازدارنده بر رشد و شکوفایی جامعه دارد و تهدیدی جدی و نگران کننده است. وابستگی و سوء مصرف مواد به عنوان اختلال مزمن و عودکننده با تاثیرات و پیش‌آیندهای تربیتی، فرهنگی، روانی، اجتماعی، رفتاری و معنوی در نظر گرفته می‌شود. اعتیاد اثرات بسیار سویی در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دارد (رحیمی، اسماعیلی، نوری و مهدوی، ۱۳۹۰). متأسفانه علی‌رغم تلاش‌های فراوان جامعه علمی، هنوز درمان مناسبی که بتواند درمان‌های فیزیولوژیکی برای اعتیاد مثمر باشد، شناخته نشده است. شاید به این دلیل که اعتیاد جنبه زیستی، روانی و اجتماعی دارد. لذا برای درمان اعتیاد نیاز به درمان‌هایی است که بتواند جنبه‌های مختلف را تحت پوشش قرار دهد. به عبارت دیگر در فرایند درمان و پیشگیری به همان نسبتی که بعد زیستی مورد توجه قرار می‌گیرد، بعد روانی و اجتماعی نیز باید مورد توجه قرار گیرد و یا حتی بیشتر به آن‌ها توجه شود. اهمیت در نظر گرفتن عوامل روانی و اجتماعی زمانی بیشتر نمود پیدا می‌کند که برخی افراد معتاد بارها و بارها از نظر فیزیکی مواد را ترک می‌کنند ولی بعد از گذشت زمانی مجدداً به مصرف مواد روی می‌آورند (گلستانی، ۱۳۸۷).

امروزه در زمینه پیشگیری از گرایش به مواد مخدر، اغلب کشورها، پیشگیری کیفری را کنار گذاشته‌اند و به بحث پیشگیری اجتماعی گام نهاده‌اند که مستلزم همکاری و

مشارکت نهادهای جامعه مدنی از قبیل سازمان‌های مردم‌نهاد و برنامه‌های اجتماع‌محور است. ماهیت پیچیده آسیب‌های اجتماعی ایجاب می‌کند که با تاکید بر یافته‌های نوین دایره معرفت خودمان را در شناخت پدیده‌های اجتماعی گسترده کنیم. بر این اساس سرمایه اجتماعی در جوامع به عنوان ابزاری اساسی قابلیت‌های کارایی در تبیین و توضیح مسائل و مشکلات از جمله آسیب‌های اجتماعی را دارد (شارع پور، ۱۳۸۳). جامعه به‌عنوان سیستمی پویا، زنده، بانشاط و در حال حرکت، دارای ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بی‌شماری است که می‌بایست با نگرش نظام‌مدار، ضمن بهره‌گیری و به‌فعل رساندن آن‌ها، از تحرک سیستم اعتیاد جلوگیری نمود. به همین منظور در این مقاله مروری به رویکرد اجتماعی مبارزه با مواد مخدر با تاکید بر نقش سرمایه اجتماعی پرداخته شده است.

تاریخچه سرمایه اجتماعی

مفهوم سرمایه اجتماعی به طور غیرمستقیم در نظریه‌های جامعه‌شناسان کلاسیک چون دو توکویل (۱۸۳۱) و ۶۰ سال بعد در کار جامعه‌شناس فرانسوی امیل دورکیم مطرح شده است. این مفهوم را می‌توان در آثار بسیاری از جامعه‌شناسان کلاسیک در مفاهیمی از قبیل اعتماد، همبستگی و انسجام اجتماعی، هنجارها و ارزش‌ها مشاهده کرد. جامعه‌شناسی رشته‌ای علمی است که درصدد تبیین ریشه‌ها و ماهیت نظم اجتماعی است، ولی جامعه‌شناسان کلاسیک مشخصاً به مفهوم سرمایه اجتماعی نپرداخته‌اند. سرمایه اجتماعی در معنای مدرن خود ابتدا در سال ۱۹۱۶ در نوشته‌های هانیفان^۱ سرپرست وقت مدارس ویرجینیای غربی در آمریکا به کار رفت. این سرمایه ناملموس بسیاری از امور زندگی روزانه مردم مانند حق کسب و کار، معاشرت، هم‌فکری، همدردی و داد و ستدهای اجتماعی میان افراد و خانواده‌ها که واحدهای اجتماعی را می‌سازند در بر می‌گیرد. وی سرمایه اجتماعی را حاصل ظرفیت‌های بالقوه‌ای می‌داند که برای بهبود اساسی شرایط زندگی اجتماعی کفایت می‌کند. بعد از وی محققان و جامعه‌شناسان بسیاری از جمله جین جاکوب^۲ استاد مسائل شهری، گلن لوری^۳ اقتصاددان، ایوان لایت^۴ جامعه‌شناس و

1. Hanifan
2. Jine Jakoob

3. Gallen Lurry
4. Ivan Light

پیربوردیو^۱ جامعه شناس فرانسوی به این موضوع پرداخته‌اند. جیمز کلمن اولین کسی است که به صورت منسجم و قوی به بحث سرمایه اجتماعی پرداخته است. وی با مقاله سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی، اثر مهمی را در ادبیات جامعه‌شناسی پدید آورد. بعد از وی رابرت پاتنام در سال ۱۹۹۳ با چاپ کتاب "بنای دموکراسی کارآمد؛ سنت‌های مدنی" و مقاله "بولینگ یک نفره، کاهش سرمایه اجتماعی آمریکا" در سال ۱۹۹۵ باعث توجه بیشتر عموم به ایده سرمایه اجتماعی و چگونگی افزایش و کاهش و بازسازی آن در آمریکا شد (صدیق بنایی، ۱۳۸۷).

سرمایه اجتماعی

نهادهای اجتماعی، سرمایه اجتماعی را پدید می‌آورند و دستیابی به هدف‌هایی را که در نبود آن‌ها غیر ممکن یا پرهزینه بوده را ممکن و تسهیل می‌کنند، به طوری که عضویت در سازمان‌های اجتماعی، میزانی برای سرمایه اجتماعی می‌شود. منفعت‌های حاصل از عضویت در یک گروه همبستگی را به وجود می‌آورد که حصول منفعت را ممکن می‌سازد. هر زمان که یک جامعه یا نهاد اجتماعی بتواند مشارکت اعضای خود را برای دستیابی به اهداف خاص یا حل مساله‌ای جلب نماید، گفته می‌شود که آن جامعه دارای سرمایه اجتماعی است. ویژگی ذاتی سرمایه اجتماعی این است که در روابط اجتماعی شکل می‌گیرد. به تعبیر پورتز^۲ (۱۹۸۸) سرمایه اجتماعی در درون ساختار روابط افراد یافت می‌شود. برای برخورداری از سرمایه اجتماعی فرد باید با دیگران رابطه داشته باشد. سرمایه اجتماعی مجموع منابع حقیقی و مجازی در دسترس یک فرد یا گروه است که این افراد به واسطه برخورداری از شبکه‌ای بادوام از روابط آن را به دست آورده‌اند. از نظر جیمز کلمن سرمایه اجتماعی هنگامی ایجاد می‌شود که روابط میان اشخاص به شیوه‌ای تغییر یابد که کنش را آسان سازد. بنابراین سرمایه اجتماعی شیء واحدی نیست بلکه جنبه‌های متفاوتی از ساختار اجتماعی را در بر می‌گیرد که کنش جمعی و فردی را ترویج می‌کند. سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از نهادها، روابط و هنجارهای به هم پیوسته است که در شکل‌دهی به

1. Bourdieu

2. Portes

کیفیت و کمیت تعاملات اجتماعی افراد جامعه نقش اساسی دارد، به گونه‌ای که در کوتاه‌مدت برای شبکه‌های اجتماعی ارزش ویژه‌ای ایجاد می‌کند تا بین افراد مشابه و مختلف پلی ارتباطی برقرار گردد. از نظر فوکویاما، سرمایه اجتماعی وجود مجموعه معینی از هنجارهای غیررسمی است که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است در آن سهمیم هستند. از نظر وی مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌شود، چرا که این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشند. برعکس هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کنند، اساساً باید شامل مواردی از قبیل صداقت، تعهدات و ارتباطات دوجانبه باشد (ترنتاکوستی^۱، ۲۰۱۱؛ رحیمی و همکاران، ۱۳۹۰؛ فرجاد، ۱۳۸۲). با توجه به این تعاریف می‌توان دریافت که سرمایه اجتماعی دارای دو جزء است: ۱) پیوندهای عینی بین افراد: نوعی ساختار شبکه‌ای عینی می‌بایست برقرار کننده ارتباط بین افراد باشد. این بخش از سرمایه اجتماعی حکایت از آن دارد که افراد در فضای اجتماعی با یکدیگر پیوند دارند. ۲) پیوند ذهنی: پیوندهای بین افراد می‌بایست دارای ماهیت متقابل مبتنی بر اعتماد و دارای هیجان‌ات مثبت باشد (شارع پور، ۱۳۸۳).

در سرمایه اجتماعی، افراد و اجتماعات در قالب ارزش‌ها، هنجارها و پیوندهای اجتماعی که در جریان تعاملات اجتماعی به وجود می‌آید، قابلیت‌های خود را افزایش می‌دهند و در عین به دست آوردن امکان کنترل زندگی خود از حمایت‌های محیطی و اجتماعی که در شبکه‌های ارتباطی آن‌ها به وجود آمده برخوردار می‌شوند. سرمایه اجتماعی ما را قادر می‌سازد که ارزش ایجاد کنیم، کارها را انجام دهیم، به اهدافمان دست یابیم، ماموریت‌هایمان را در زندگی به اتمام رسانیم و به سهم خویش به دنیایی یاری رسانیم که در آن زندگی می‌کنیم. بر اساس نظریه‌های جدید انگیزه اولیه مشارکت است، یعنی پیشرفت و تکامل همراه با دیگران و کمک به دیگران چه کوچک و چه بزرگ، سرمایه اجتماعی را غنی می‌سازد و شبکه وسیعی از کنش متقابل را خلق می‌کند. سرمایه اجتماعی را می‌توان حاصل پدیده‌های اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی متقابل، گروه‌های

اجتماعی، احساس هویت جمعی و گروهی، احساس وجود تصویری مشترک از آینده و کار گروهی در یک سیستم اجتماعی دانست. به طور خلاصه سرمایه اجتماعی در شاخصه‌هایی چون وفاداری، اعتماد، ارتباطات شبکه‌ای، اقتدار فردی، هویت سازمانی، عمل متقابل، هنجارهای اجتماعی و اعتبار تجلی می‌یابد (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۰).

مفهوم سرمایه اجتماعی از دید اندیشمندان

بورديو جامعه‌شناس فرانسوی بیشتر به بررسی دوام و پایداری طبقه اجتماعی و سایر اشکال مستحکم نابرابری گرایش داشت. بورديو در گیر ایده‌هایی بود که از مفاهیم مارکسیستی تأثیر پذیرفته بودند. وی سرمایه اقتصادی را ریشه انواع سرمایه‌ها می‌دانست و علاقمند به درک شیوه‌های ترکیب این سرمایه با دیگر اشکال سرمایه و ایجاد و تولید نابرابری بود (فیلد، ۲۰۰۳؛ به نقل از غفاری و رمضان، ۱۳۸۸). وی در ابتدا استعاره "سرمایه فرهنگی" را مطرح می‌کند و آن را مورد بررسی قرار می‌دهد و سپس به مفهوم سرمایه اجتماعی توجه می‌کند. وی با استفاده از استعاره "سرمایه فرهنگی" به این موضوع اشاره می‌کند که ذائقه فرهنگی موجب منزلت برتر برخی از گروه‌ها نسبت به دیگر گروه‌ها می‌شود. وی در نوشته‌های اولیه خود در خصوص "سرمایه اجتماعی" روی این مفهوم به عنوان یک جزء فرعی یا حتی یکی از ابعاد "سرمایه فرهنگی" متمرکز می‌شود (فیلد، ۱۳۸۸). بورديو سرمایه رابه سه نوع تقسیم می‌نماید: ۱) سرمایه اقتصادی: که قابل تبدیل شدن به پول است و می‌تواند به شکل حقوق مالکیت نهادینه شود. ۲) سرمایه فرهنگی: سرمایه فرهنگی شکل گرفته از طریق شرایط خانوادگی و آموزش مدرسه‌ای، می‌تواند تا حدی مستقل از دارایی‌های مادی عمل کند و حتی کمبود پول را که قسمتی از استراتژی فرد برای تعقیب قدرت و جایگاه اجتماعی است جبران کند. در واقع به نظر بورديو سرمایه فرهنگی به صورت کیفیت آموزشی نمود پیدا می‌کند. سرمایه فرهنگی مانند میراث مادی قابل انتقال است و مانند آن قابل سرمایه گذاری است. به علاوه گروه‌ها قادرند تا از نمادهای فرهنگی به عنوان نشانه‌های تمایز استفاده کنند که از طریق آن هم موقعیت خود را در ساختار اجتماعی نشان می‌دهند و هم آن را می‌سازند. به تعبیر پیر بورديو وقتی از

سرمایه فرهنگی سخن می‌گوییم مجموعه‌ای از دانش‌ها و توانایی‌های شناختی را مد نظر قرار می‌دهیم که در شکل کالاها و ابزارهای فرهنگی متجلی می‌شود. در این معنا که بی‌شبهت به مفهوم سرمایه انسانی در نزد کلمن نیست، سرمایه فرهنگی تمام آن چیزی است که امروزه ما به عنوان کالاها و فرهنگ می‌شناسیم. این کالاها صورتی از سرمایه فرهنگی هستند که بر روابط اجتماعی و ساخت شبکه پویا و کارآمد اجتماعی تأثیر می‌گذارند. صورت دیگر سرمایه فرهنگی خود را بیشتر در عادات و نگرش افراد جامعه نمایان می‌سازد. در این معنا سرمایه فرهنگی، تمایلات، عادات و نگرش‌هایی را در بر می‌گیرد که استعداد استفاده از شرایط و توانایی‌های بالقوه را به افراد می‌دهد تا بر وجه شناختی و معرفتی خود بیفزایند. تمام مهارت‌ها و آمادگی‌هایی را که می‌توان در محیط خانه و مدرسه به کودکان آموخت، نظیر احساس مفید بودن، توانایی ابراز وجود و اظهار نظر و مهارت‌های دیگر از این دسته‌اند. (۳) سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از منابع مادی یا معنوی است که به یک فرد یا گروه اجازه می‌دهد تا شبکه پایداری از روابط کم و بیش نهادینه شده و شناخت متقابل را در اختیار داشته باشند (فیلد، ۱۳۸۸). در این تعریف بر ضرورت تراکم و دوام پیوندها (یعنی ارتباطات) تأکید شده است. ارزش پیوندهای یک فرد (یا حجم سرمایه اجتماعی متعلق به یک عامل) به تعداد اتصالاتی که می‌تواند آن‌ها را بسیج نماید و به حجم سرمایه (فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی) متعلق به هر یک از اتصالات، بستگی دارد. از دیدگاه بوردیو:

۱- سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی باید به عنوان دارایی در نظر گرفته شوند و این‌ها نشان دهنده تولید کار انباشت شده هستند.

۲- انواع سرمایه‌های بیان شده همیشه با هم قابل جایگزینی نیستند، اما ترکیب آن‌ها می‌تواند سرمایه جدیدی ایجاد کند.

۳- سرمایه اجتماعی تشریح اصل "دارایی‌های اجتماعی" است. این موضوع مهم است که افراد تا چه اندازه قادر به بسیج کردن سرمایه یک گروه باشند (خانواده، همشاگردی‌های قدیمی، مدارس، نخبگان، کلوپ‌های ویژه و غیره).

۴- سرمایه اقتصادی شکل غالب سرمایه است و سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی ابزاری برای رسیدن به سرمایه اقتصادی هستند.

۵- تنها زمانی در داخل شبکه همبستگی به وجود می‌آید که عضویت باعث ایجاد سود مادی و نمادی شود.

۸- فهم دنیای اجتماعی بدون فهم نقش اشکال مختلف سرمایه غیر ممکن است. در مجموع نظریه بوردیو به طوردقیق بر شیوه‌های به کارگیری اتصالات (یعنی ارتباطات میان اعضای یک گروه) توسط برخی گروه‌ها برای کسب سود بیشتر، تمرکز دارد و تاکید می‌کند که نابرابری باید از طریق تولید و باز تولید تشریح شود و اینجا است که سرمایه اجتماعی را به شکل زیر تعریف می‌کند: سرمایه‌ای از روابط اجتماعی که در صورت نیاز، حمایت‌های سودمندی فراهم می‌کند، یعنی سرمایه شرافت و حرمت که غالباً اگر فرد بخواهد در موقعیت‌های مهم اجتماعی مراجعین را جذب کند، کاملاً ضروری است. به نظر پیر بوردیو سرمایه اجتماعی عبارت است از موقعیت‌ها و روابطی که در درون گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی برای افراد دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات، منابع مادی و موقعیت اجتماعی را افزایش می‌دهد (فیلد، ۱۳۸۸). بوردیو سوءاستفاده از سرمایه اجتماعی را امکان‌پذیر می‌داند، به ویژه از طرف کسانی که به قول او قادر به نمایندگی سرمایه اجتماعی نهادینه شده هستند، مانند بزرگان فامیل و کسانی که از ارتباطات نهادینه شده بهره می‌برند. به علاوه بوردیو معتقد است که سرمایه اجتماعی، یکی از دارایی‌های ثروتمندان و وسیله‌ای برای حفظ برتری آن‌ها است. در نظریه وی جایی برای امکان بهره‌برداری دیگران - یعنی افراد یا گروه‌های کم بضاعت‌تر - از این پیوندهای اجتماعی وجود ندارد. بوردیو سرمایه اجتماعی را در خدمت افزایش ثروت سرمایه‌داران و کاهش دارایی ضعیفان می‌داند زیرا او پدیده‌های اجتماعی را با نگاه مارکسیستی تحلیل می‌کند (فیلد، ۱۳۸۸).

کلمن جامعه‌شناس آمریکایی نظریه انتخاب منطقی را قبول دارد و به درستی مهم‌ترین شخصی است که باعث رشد این نظریه در جامعه‌شناسی معاصر شد (نظریه انتخاب منطقی

باور دارد که تمام رفتارها از تعقیب افراد برای سودشان سرچشمه می‌گیرد). بنابراین از نگاه کلمن تعامل اجتماعی به عنوان شکلی از مبادله در نظر گرفته می‌شود و سرمایه اجتماعی وسیله‌ای جهت تبیین نحوه همکاری و تعاون افراد با یکدیگر برای کسب سود است. نتیجه اینکه وی بر سودمندی سرمایه اجتماعی تاکید می‌ورزد و آن را منبعی برای همکاری، روابط دو جانبه و توسعه اجتماعی می‌داند. کلمن با مطالعات خود نشان داد که سرمایه اجتماعی صرفاً به قدرتمندان محدود نبوده و برای فقیران و اجتماعات حاشیه نشین هم مفید است. یکی از علایق اصلی او ترکیب جامعه‌شناسی با جریان‌های عمده اقتصادی است و به همین دلیل او مفهوم سرمایه اجتماعی را به عنوان پلی بین اقتصاد و جامعه‌شناسی به کار می‌گیرد (فیلد، ۱۳۸۸). سرمایه اجتماعی با کارکردش تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی شیئی واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همه آن‌ها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند و کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند تسهیل می‌کنند. سرمایه اجتماعی، مانند شکل‌های دیگر سرمایه مولد است. شکل معینی از سرمایه اجتماعی که در تسهیل کنش‌های معینی ارزشمند است ممکن است برای کنش‌های دیگری فایده یا حتی زیان‌مند باشد. به نظر کلمن سازمان اجتماعی، سرمایه اجتماعی را پدید می‌آورد (کلمن، ۱۳۷۷). پاتنام و همکارانش، بینش تازه‌ای را در تئوری سرمایه اجتماعی ایجاد کردند. نتایج تحقیقات و بررسی‌های پاتنام به طرح تعاریفی از مفهوم سرمایه اجتماعی و وجوه و اشکال آن منجر شد. سرمایه اجتماعی وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارآیی جامعه را بهبود بخشند. سرمایه اجتماعی نیز مانند سایر سرمایه‌ها مولد است و امکان دستیابی به اهداف مشخص را فراهم می‌کند (پاتنام، ۱۳۸۰). به تعبیر پاتنام همکاری و تعاون داوطلبانه در جایی که ذخیره و انباشت اساسی از سرمایه اجتماعی در قالب قواعد مبادله و شبکه‌های تعهد مدنی وجود داشته باشد به آسانی صورت می‌گیرد. در واقع سرمایه اجتماعی به پیوندهای اعضای یک شبکه به عنوان منبع با ارزش اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف اعضا می‌شود (پاتنام،

۱۳۸۰). وجوه گوناگون سازمان اجتماعی از دیدگاه پاتنام در زیر ارائه شده است.

۱- شبکه‌ها: انواع مختلفی از شبکه‌های رسمی و غیررسمی ارتباطات و مبادلات در هر جامعه‌ای اعم از مدرن و سنتی، فئودالی یا سرمایه داری و ... وجود دارند. این شبکه‌ها از نوع "افقی" و "عمودی" هستند. در شبکه‌های افقی شهروندانی عضویت دارند که از قدرت و وضعیت برابری برخوردارند. در این حالت همه کنشگران درگیر کنش‌ها بوده، با هم در ارتباطند و اطلاعات به صورت شفاف در اختیار کنشگران قرار می‌گیرد. در شبکه‌های عمودی شهروندانی عضویت دارند که وضعیتی نابرابر نسبت به هم دارند. در این حالت کنشگران باهم ارتباطی ندارند. به این معنی که رابطه کنشگران منقطع بوده و آن‌ها تنها اطلاعاتی را بدست خواهند آورد که منافع افراد در موقعیت بالاتر را به خطر نیندازد. همچنین اطلاعات به صورت شفاف رد و بدل نمی‌شود. کنش‌های افقی قوی در شبکه‌های مشارکت مدنی مانند انجمن‌های همسایگی، کانون‌های سرودخوانی، تعاونی‌ها، باشگاه‌های ورزشی و احزاب توده‌ای روی می‌دهند. از نظر پاتنام شبکه‌های مشارکت مدنی یکی از اشکال ضروری سرمایه اجتماعی هستند. هرچه این شبکه‌ها در جامعه‌ای متراکم‌تر باشند، احتمال بیشتری وجود دارد که شهروندان بتوانند در جهت منافع متقابل همکاری کنند. شبکه‌های افقی انبوه منجر به تقویت همکاری درون گروهی می‌شوند. آن‌ها با دور زدن شکاف‌های طبقاتی، همکاری گسترده‌تری را پدید می‌آورند. از نظر پاتنام هرچه ساختار سازمانی افقی‌تر باشد، موفقیت نهادی آن در اجتماع بیشتر است. پاتنام شبکه عمودی یا سلسله مراتبی را فاقد توان برقراری اعتماد و همکاری اجتماعی می‌داند. زیرا جریان اطلاعات در شبکه عمودی نسبت به شبکه افقی، شفاف و مؤثر نیست. همچنین هنجارهای معامله متقابل و مجازات‌های مربوط به تخلف از آن که مانع فرصت طلبی می‌شوند، در شبکه‌های عمودی برای مقامات عالی رتبه کمتر وضع شده و کمتر اجرا می‌شوند.

۲- هنجارهای معامله متقابل: در هر گروه اجتماعی هنجارهایی هستند که مهم‌ترین سودمندی آن‌ها تقویت اعتماد، کاهش هزینه معاملات و تسهیل همکاری است. از نظر

پاتنام مهم ترین این هنجارها، هنجارهای معامله متقابل هستند. وی این هنجارها را از مولدترین اجزای سرمایه اجتماعی می داند. گروه‌ها و جوامعی که از این هنجارها اطاعت می کنند به شکل مؤثری بر فرصت طلبی و مشکلات عمل جمعی فائق می آیند. این هنجارها با شبکه‌های انبوهی از مبادلات اجتماعی مرتبط هستند و یکدیگر را تقویت می کنند.

۳- اعتماد اجتماعی: پاتنام اعتماد اجتماعی را ناشی از دو منبع یعنی هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی می داند. از نظر وی اعتماد، همکاری را تسهیل می کند و هر چه سطح اعتماد در یک جامعه بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود. همکاری نیز به نوبه خود اعتماد را ایجاد می کند. از نظر پاتنام هر چه تعامل میان افراد بیشتر باشد، آن‌ها اطلاعات بیشتری درباره یکدیگر به دست آورده و انگیزه‌های بیشتری برای اعتماد پیدا می کنند. در مجموع پاتنام منابع سرمایه اجتماعی را اعتماد، هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های افقی تعامل می داند که دارای ارتباطات درونی، خود تقویت کننده و خود افزاینده می باشند. بنا به اعتقاد پاتنام ویژگی باز تولیدی سرمایه اجتماعی منجر به تعامل اجتماعی همراه با سطح بالایی از همکاری، اعتماد، معامله متقابل، مشارکت مدنی و رفاه اجتماعی می گردد. وی همچنین اضافه می کند که نبود این ویژگی‌ها در برخی از جوامع عهدشکنی، بی اعتمادی، فریب، بهره کشی، انزوا، بی نظمی و رکود را به دنبال دارد. پاتنام استدلال می کند که هنجارها و شبکه مشارکت مدنی باعث تقویت رشد اقتصادی، افزایش اعتماد و همکاری اجتماعی می شوند. منابع سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها معمولاً خود تقویت کننده و خود افزاینده هستند. ویژگی‌هایی از جمله همکاری، اعتماد، معامله متقابل، مشارکت مدنی و رفاه جمعی معرف جامعه مدنی هستند. برعکس، فقدان این ویژگی‌ها در جوامع غیرمدنی نیز خصالتی خود تقویت کننده دارد. عهد شکنی، بی اعتمادی، فریب، بهره کشی، انزوا، بی نظمی و رکود یکدیگر را در یک جو خفقان‌آور دوره‌های باطل تشدید می کنند (پاتنام، ۱۳۸۰).

از نظر پاتنام سرمایه اجتماعی با معامله متقابل به وجود می آید و انگیزه معامله متقابل با

بهره‌گیری از کمک دیگری، یا دادن کمک به دیگری با انتظار دریافت سود در آینده شکل می‌گیرد. منظور از سود، دریافت کمک از طرف مقابل به هنگام نیاز در آینده می‌باشد. این معامله بر اساس اعتماد انجام می‌پذیرد. کسب اعتماد در شبکه‌ها به وجود می‌آید زیرا با حضور در شبکه‌ها و تعامل با یکدیگر می‌توان اطلاعات لازم را برای بدست آوردن اعتماد کسب کرد. نقطه اشتراک تعریف پاتنام از سرمایه اجتماعی با تعریف کلمن در این خصوص مربوط به آن دسته از ویژگی‌های سازمان اجتماعی است که هماهنگی و همکاری را برای سود متقابل تسهیل می‌کند. این ویژگی‌ها عبارتند از: شبکه‌ها، هنجارهای معامله متقابل و اعتماد اجتماعی. به طور خلاصه، بورديو دارای دغدغه‌ای مشترک با مارکسیسم درباره نابرابری دسترسی به منابع و کسب قدرت می‌باشد. کلمن به عنوان نقطه شروع، ایده افراد کنشگر عقلانی که به دنبال کسب سود شخصی‌شان هستند را در نظر می‌گیرد. پاتنام ایده معاشرت و فعالیت مدنی را به عنوان پایه یکپارچگی اجتماعی و بهزیستی می‌داند. به رغم این تفاوت‌ها، هر سه نفر بر این باورند که سرمایه اجتماعی از پیوندهای شخصی همراه با مجموعه‌ای از ارزش‌های مشترک تشکیل شده است (فیلد، ۱۳۸۸).

از نظر فوکویاما فراهم ساختن و تدارک سرمایه اجتماعی با واسطه و میانجیگری مجموعه‌ای از نهادهایی که تقریباً به وسعت و گستردگی خود جامعه هستند، انجام می‌شود. خانواده‌ها، مدارس، کلیساها و انجمن‌های داوطلبانه، انجمن‌های تخصصی و فرهنگ عمومی از آن جمله است. اکثر این نهادها با اقتصاد بازار کاملاً بیگانه هستند. بودجه برخی از این نهادها از قبیل مدارس را مردم با پرداخت مالیات تامین می‌کنند. برخی دیگر مانند خانواده‌ها یا انجمن‌های خیریه از طریق تولیدات فرعی فعالیت‌های دیگر، سرمایه اجتماعی تولید می‌کنند. چنانچه جیمز کلمن خاطر نشان ساخته است، سرمایه اجتماعی مانند بسیاری از اشکال دیگر سرمایه انسانی یک منفعت عمومی است و بنابراین، بازارهای رقابتی به طور منظم برای آن سرمایه‌گذاری می‌کنند (فوکویاما، ۱۳۸۵). فوکویاما برخی از کشورها را که از نظر فرهنگی یکسان هستند بر اساس سرمایه اجتماعی مقایسه می‌کند و هدف او این

است که به این سوال پاسخ دهد که چرا برخی کشورها موفقیت اقتصادی بیشتری نسبت به سایر کشورها دارند. او ادعا می‌کند که در این کشورها سطوح بالای قابلیت اجتماعی (سرمایه اجتماعی) صداقت و اعتماد افراد را به انجام کارهای مشارکتی و تعاونی مشتاق می‌سازد و زمینه را برای رشد و ترقی فراهم می‌کند. مثلاً در جامعه ژاپن سطوح بالای سرمایه اجتماعی سبب گسترش و توسعه این کشور شده است در حالی که در جامعه چین پیوندهای موجود مانع شکل‌گیری سرمایه اجتماعی شده و فرصت‌های نوآوری را محدود ساخته است. فوکویاما معتقد است که جوامع مدرن به جای اینکه درصد باشند که اخلاق اعضایشان را بهبود بخشند در جست‌وجوی تاسیس نهادهایی چون حکومت متکی بر قانون اساسی و مبادله مبتنی بر بازار آزاد هستند تا رفتارهای اعضای خود را نظام‌مند کنند. با جمع‌بندی نظرات ابراز شده می‌توان سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از شبکه‌ها، هنجارها، ارزش‌ها و درکی دانست که همکاری درون‌گروه‌ها و بین‌گروه‌ها را در جهت کسب منافع متقابل تسهیل می‌کند و این نوع از سرمایه با نرخ مشارکت افراد در زندگی جمعی و وجود عامل اعتماد در بین آنان بیان می‌شود (فوکویاما، ۱۳۸۵).

ابعاد سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی دارای دو بعد کمی و کیفی است. بعد کمی سرمایه اجتماعی یک کمیت است، یعنی در جامعه هر چه مشارکت بیشتر باشد و تعداد انجمن‌های داوطلبانه یا به عبارتی سازمان‌های غیردولتی بیشتر باشد، سرمایه اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود. در رابطه با بعد دیگر باید اذعان کرد که سرمایه اجتماعی دارای یک بعد کیفی است که می‌بایست در میزان همبستگی و درجه انسجام درون‌گروهی و اعتماد متقابل بین کنشگران، احساسات مثبت به وجود آورد. از سوی دیگر کیفیت سرمایه اجتماعی دارای دو بعد است: بعد همبستگی درون‌گروهی و بعد بین‌گروهی یا همان انسجام بین گروه‌های موجود در جامعه. چنانچه در یک جامعه اعتماد و انسجام در درون گروه‌ها بالا باشد اما بین گروه‌های مختلف انسجام پایین باشد یا وجود نداشته باشد، این فرایند تأثیرات منفی برای کل جامعه خواهد داشت و در واقع سرمایه اجتماعی موجود از نوع منفی خواهد بود (صدیق

سروستانی، ۱۳۸۵). در دسته‌بندی دیگر، سرمایه اجتماعی دارای سه بعد است. (۱) بعد ساختاری: این بعد به پیوندهای موجود در شبکه اجتماعی اشاره دارد که دربرگیرنده وسعت و شدت ارتباطات موجود در شبکه است. (۲) بعد شناختی: این بعد مربوط به آن چیزی است که افراد فکر یا احساس می‌کنند. (۳) بعد ارتباطی: این بعد شامل اعتماد، هنجارها، تعهدات و روابط متقابل و تعیین هویت مشترک است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۵).

مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی چهار مؤلفه اعتماد اجتماعی، پیوند و تعاملات اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی هستند که در یک رابطه متعامل قرار گرفته و هر کدام تقویت‌کننده دیگری است.

• اعتماد اجتماعی: اعتماد اولین بخش سرمایه اجتماعی است که به نوع ارتباط بین افراد مربوط می‌شود. اعتماد شاخص مناسبی برای پیوندهای مثبت و متقابل است. برای ارزیابی سرمایه اجتماعی در سطح ملی، سنجش اعتماد به نهادهای مختلف اجتماعی ضرورت دارد. در فرایند توسعه اجتماعی، میزان عضویت اعضای جامعه در گروه‌ها، سازمان‌ها و انجمن‌های مختلف افزایش می‌یابد و آمادگی فرد برای برقراری ارتباط بیشتر می‌شود. بدین ترتیب مهم‌ترین مساله نظم اجتماعی، اعتماد و همبستگی اجتماعی است، یعنی بدون انسجام و نوعی پایداری، نظم اجتماعی غیرممکن است (چلبی، ۱۳۷۵).

• انسجام اجتماعی: انسجام اجتماعی در یک حوزه تعاملی معین شکل و معنا پیدا می‌کند. دورکیم احساسی را که در میدان تعاملی به وجود می‌آید، عاطفه جمعی می‌نامد. از نظر دورکیم، عاطفه جمعی عمیق، اکثراتی مناسب جمعی به وجود می‌آید و موجبات افزایش و تحکیم انسجام اجتماعی را فراهم می‌کند (چلبی، ۱۳۷۵).

• مشارکت اجتماعی: مشارکت اجتماعی در برگیرنده انواع مختلف کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تاثیر نهادن بر فرایند

- تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است. مشارکت می‌تواند در دو سطح مطرح باشد:
۱. بعد ذهنی مشارکت که همان تمایل به مشارکت اجتماعی است که در نتیجه اعتماد و سایر عوامل زمینه‌ساز در افراد ایجاد می‌شود.
 ۲. بعد عینی و رفتاری مشارکت اجتماعی که به صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم‌گیری بروز می‌کند که همان پیوند عینی افراد است (چلبی، ۱۳۷۵).
- پیوند و تعاملات اجتماعی: پیوند اجتماعی بیانگر پیوندهای عینی بین افراد و ارتباط آن‌ها با یکدیگر است. این پیوند دارای دو بخش است:
۱. پیوند عینی بین افراد نوعی ساختار شبکه‌ای عینی است که می‌بایست برقرار کننده ارتباط بین افراد باشد. این بخش حکایت از آن دارد که افراد در فضای اجتماعی با یکدیگر پیوند دارند.
 ۲. پیوند ذهنی: پیوندهای بین افراد می‌بایست دارای ماهیت متقابل مبتنی بر اعتماد و دارای هیجانات مثبت باشد، بنابراین عدم اعتماد در افراد سبب عدم مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی می‌شود (چلبی، ۱۳۷۵).

کلمن برای سرمایه اجتماعی مولفه‌هایی را در نظر می‌گیرد که عبارت است از: اعتماد اجتماعی: اعتماد را می‌توان حسن ظن فرد نسبت به افراد جامعه تعریف کرد که این امر موجب گسترش و تسهیل روابط اجتماعی فرد با سایر افراد جامعه می‌شود. در فضای مبتنی بر اعتماد ابزارهایی چون زور و اجبار برای داد و ستدها کارایی خود را از دست می‌دهند و در عوض قصد افراد برای بازپرداخت‌ها و اعتقاد به درستکاری افزایش می‌یابد (مقصودی و شمس‌الدین مطلق، ۱۳۹۵).

حمایت اجتماعی: حمایت اجتماعی را می‌توان قابلیت کیفیت و ارتباط با کسانی که منابعی را به هنگام نیاز فراهم می‌آورند تعریف کرد. کوهن حمایت اجتماعی را به سه زیر عامل تقسیم می‌کند که عبارتند از: ۱) حمایت عاطفی که معمولاً شناخته شده‌ترین شکل حمایت اجتماعی است و از طرف خانواده و دوستان نزدیک صورت می‌گیرد. ۲) حمایت ابزاری که پشتیبانی به شکل پول، صرف وقت برای دیگران، کمک‌های عملی و سایر

مساعدهت‌ها را در بر می‌گیرد. ۳) حمایت اطلاعاتی که شامل راهنمایی، مشاوره و پیشنهادهای اعضای شبکه است (مقصودی و شمس الدین مطلق، ۱۳۹۵).

• مشارکت مدنی و عضویت در انجمن‌ها: تراکم شبکه‌های روابط بین افراد و گروه‌ها، از مفاهیم کلیدی سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی نمی‌تواند به واسطه عمل فی‌نفسه و منفعل افراد به وجود آید، بلکه وابسته به وجود انجمن‌ها و شبکه‌های اجتماعی است که در اشکال متنوع و نوینی در ابعاد و فضاهای متنوع حمایت اجتماعی نمود می‌یابند. انجمن‌های داوطلبانه دارای آثار خردی چون ارائه فرصت برای عضویت در گروه‌های بزرگ‌تر، بسط روابط اجتماعی و شرکت فرد در تصمیم‌گیری‌ها هستند و در عین حال آثار کلانی نیز برای جامعه دارند. این انجمن‌ها با کمک به بسیج آهسته، داوطلبانه و نسبتاً مداوم منابع در جامعه، زمینه اتصال هر چه بیشتر آن‌ها را به جامعه فراهم می‌آورند و مشارکت فرد را در امور اجتماعی افزایش می‌دهند (مقصودی و شمس الدین مطلق، ۱۳۹۵).

• شبکه اجتماعی: شبکه اجتماعی بر اساس شبکه تعاملات افراد و نوع شبکه اجتماعی قابل تمایز است. افرادی که شبکه‌های درون‌گرا، متجانس و کوچک دارند، سرمایه اجتماعی آن‌ها عموماً بر اعتماد و همکاری در یک شبکه مستحکم استوار است، اما فرصت دستیابی به اطلاعات یا کشف فرصت‌های کارآفرینی را از دست می‌دهند. افرادی که دارای شبکه‌های برون‌گرا، گوناگون و بزرگ هستند، به سرمایه اجتماعی مبتنی بر موقعیت‌های کارآفرینی دسترسی دارند، اما آن‌ها نیز عموماً پیام‌های آمیخته و غیرشفاف، تداخل توقعات و تنش را تجربه می‌کنند. رشد شبکه اجتماعی می‌تواند موجب دسترسی به منابع اجتماعی، تقویت اعتماد به نفس و کاهش احساس تنهایی و حس تعلق به جامعه شود. احساس تنهایی و از خود بیگانگی در شهرها تا حد زیادی به سبب وجود شبکه‌های ناقص و ضعیف اجتماعی است. چنان‌چه احساس تعلق افراد به جمع خصوصاً گروه‌های اولیه‌ای چون خانواده و دوستان سست شود، این کاهش میزان روابط حمایتی را می‌توان نوعی اختلال رابطه‌ای تلقی کرد که افراد را در مقابل

آسیب‌های اجتماعی آسیب‌پذیر می‌سازد (مقصودی و شمس‌الدین مطلق، ۱۳۹۵).

- هنجارهای بده-بستان در قالب همکاری عمومی: از هنجارهای بده-بستان به ندرت تعریفی ارائه شده است. هنجارهای عمل متقابل بر مبنای مبادله بین افراد، طیف گسترده‌ای از پدیده‌های اجتماعی از جمله تاثیر بر نگرش افراد را توضیح می‌دهند. هنجارهای بده-بستان بر مبنای الگوی مبادله، علاوه بر نتایج عینی در روابط اقتصادی به عنوان منبع تبادل احساسات و گسترش روابط اجتماعی بین افراد و گروه‌های اجتماعی نیز عمل می‌کنند (مقصودی و شمس‌الدین مطلق، ۱۳۹۵).

طبقه بندی سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی در سه سطح خرد، میانی و کلان قابل بررسی است:

۱. سطح خرد: در سطح خرد، سرمایه اجتماعی ناظر بر رفتار شبکه‌هایی از افراد و خانوارهاست. با وجود رد پاهای مشخص از این مفهوم در نوشته‌های قدیمی‌تر، تحلیل سرمایه اجتماعی در سطح خرد پیوندی با نظریه رابرت پاتنام دارد. او در کتاب خود با عنوان "بهبود کارایی مردم سالاری" سرمایه اجتماعی را به عنوان ویژگی‌های سازمان اجتماعی تعریف می‌کند، مثل شبکه‌هایی از افراد یا خانوارها و ارزش‌ها و هنجارهای به هم پیوسته که موجب آثار خارجی برای جامعه است. آثار خارجی ناشی از تعاملات بین فردی ممکن است مثبت یا منفی باشد. از آثار منفی این گونه تعاملات در سطح خرد می‌توان به این نکته اشاره کرد که روابط موجود بین افراد در یک شبکه که سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهد، به قیمت به حساب نیاوردن دیگران در این شبکه قوت می‌یابد. پاتنام از ابتدا برای این آثار خارجی، طبیعتی مثبت متصور بود، اما او و دیگران بعد از این متوجه شدند که آثار خارجی منفی هم می‌تواند از کنش‌های بین شخصی پدیدار شود. ظهور برخی گروه‌ها در جامعه که در پی منفعت‌طلبی و یا بدتر از آن، اهداف بدخواهانه هستند، گواه بر این مدعاست. در این موارد سرمایه اجتماعی فقط به نفع اعضای گروه است و لزوماً نفع افراد غیر عضو یا نفع جامعه را به دنبال ندارد. سرمایه اجتماعی در سطح خرد بر اساس میزان صمیمیت حاکم بر روابط افراد به

دو نوع درون گروهی و میان گروهی تقسیم می‌شود:

• سرمایه اجتماعی درون گروهی (غیررسمی): این نوع از سرمایه اجتماعی میان افرادی وجود دارد که ارتباط نزدیک و صمیمی با هم دارند، مثل اعضای خانواده، دوستان نزدیک و همسایگان. در برخی از مطالعات از این سطح سرمایه اجتماعی با عنوان غیررسمی یاد می‌شود. این سطح از سرمایه اجتماعی به روابط غیررسمی و روزمره میان افرادی می‌پردازد که روابط آن‌ها به صورت غیررسمی شکل گرفته و تداوم دارد. این نوع از سرمایه اجتماعی نقش مهمی در انباشت سرمایه انسانی خصوصاً در خانواده ایفا می‌کند.

• سرمایه اجتماعی میان گروهی (تعمیم یافته): این نوع سرمایه اجتماعی در میان افرادی رواج دارد که روابط دوستانه و خصوصیات مشترک کمتری میان آن‌ها حاکم است، مثل اعضای گروه‌های اجتماعی و سیاسی یا عموم مردم که لزوماً از یک اندیشه و گروه فکری خاصی پیروی نمی‌کنند. برخی این سطح از سرمایه اجتماعی را با عنوان تعمیم یافته معرفی می‌کنند، چرا که سطح تحلیل را از افراد نزدیک و صمیمی به کل افراد جامعه تعمیم می‌دهد. به طور کلی این نوع سرمایه اجتماعی در سطح جامعه اعتمادساز است. لزوم توجه به این سطح از سرمایه اجتماعی وقتی مطرح می‌شود که بدانیم سرمایه اجتماعی درون گروهی برای یک جامعه کافی نیست. به عبارت دیگر وجود تعداد زیادی گروه با انسجام درونی بالا ممکن است جامعه را دچار چند دستگی کند. برخی گروه‌ها برای تقویت انسجام درونی خود اقدام به حذف دیگران می‌کنند و زمینه‌ای را ایجاد می‌کنند که تعصب‌های گروهی و قومی در جامعه رواج یابد. برای رهایی از این معضل، سرمایه اجتماعی میان گروهی مطرح می‌شود که محور اصلی آن، وجود روابط سالم میان افراد بیگانه از هم است، یعنی افرادی که به گروه‌های گوناگونی تعلق دارند ولی در یک جامعه زندگی می‌کنند (محمدی، نقدی، علوردی نیا و کیانی، ۱۳۸۹).

۲. سطح میانی: سرمایه اجتماعی در سطح میانی که به سرمایه اجتماعی رابط نیز

معروف است، شامل پیوندها و روابط عمودی است. به عنوان مثال به روابط بین گروه‌ها، سازمان‌ها و بنگاه‌ها با یکدیگر می‌پردازد. معرفی مولفه‌های عمودی برای سرمایه اجتماعی را اولین بار جیمز کلمن انجام داد. تعریفی که وی از سرمایه اجتماعی ارائه داد به طور ضمنی روابط حاکم درون ساختار گروه‌ها را نیز علاوه بر روابط میان افراد هم‌تراز در نظر گرفت. وی معتقد است که سرمایه اجتماعی، طیفی از مسائل مختلف است که هر کدام برخی از جنبه‌های ساختار اجتماعی را دارا هستند و رفتار معین بازیگران را درون ساختار تسهیل می‌کنند، خواه این بازیگر فرد باشد یا جمع. این تعریف، مفهوم سرمایه اجتماعی را به گونه‌ای گسترش می‌دهد که علاوه بر پیوندهای افقی شامل پیوندهای عمودی نیز می‌شود و رفتارهای حاکم میان گروه‌ها را نیز در بر می‌گیرد. پیوندهای عمودی با روابط سلسله‌مراتبی و توزیع یک قدرت نابرابر میان اعضا شناخته می‌شود (محمدی و همکاران، ۱۳۸۹).

۳. سطح کلان: آخرین و فراگیرترین جنبه سرمایه اجتماعی، جنبه کلان است که شامل رسمی‌ترین روابط و ساختارهای نهادی می‌شود. به همین لحاظ در برخی مطالعات این سطح از سرمایه اجتماعی با عنوان نهادی هم معرفی می‌شود. این بخش از سرمایه اجتماعی به محیط اجتماعی و سیاسی می‌پردازد که به ساختارهای اجتماعی شکل می‌دهد و هنجارها را قابل توسعه می‌کند. رژیم سیاسی، سلطه قانون، نظام قضایی و آزادی‌های سیاسی و مدنی، نهادهایی هستند که از طریق آن‌ها سرمایه اجتماعی کلان شکل می‌گیرد. آنچه از سرمایه اجتماعی در دو طبقه اول تعریف شد بیشتر مربوط به روابط غیررسمی و محلی و منطقه‌ای بود. طبقه سوم یا سرمایه اجتماعی کلان، روابط و ساختارهای رسمی شده را شامل می‌شود (محمدی و همکاران، ۱۳۸۹).

عوامل کاهش سرمایه اجتماعی

• نابهنجاری: در واقع نابهنجاری یا آنومی که به وسیله اندیشه دورکیم در جامعه‌شناسی بیان شد، عبارت است از حالت مبهمی بین فرد و جامعه که در آن هنجارها یا از بین رفته‌اند یا ضعیف شده‌اند و یا با هم در تضادند. وقتی که حالت نابهنجاری افزایش یابد ممکن

است جامعه با خطر متلاشی شدن مواجه گردد، چرا که اعضا جامعه دیگر ارزش‌ها و اهداف مشترکی را قبول ندارند. در واقع نبود هنجارهای رفتاری و عملی در بین اعضای جامعه، خصوصاً در میان شهرنشینان بر کاهش سرمایه اجتماعی بسیار اثرگذار است. علل آنومی اجتماعی را که نقش موثری در افول سرمایه اجتماعی و بروز آسیب‌های اجتماعی دارد را می‌توان در سطح خانواده به صورت خرد و کلان ارزیابی کرد. بر این اساس وجود بحران‌های اقتصادی شدید منجر به تولید فقر و از هم پاشیدگی نظم اجتماعی می‌شود. در نتیجه یک وضعیت نارضایتی اجتماعی دائمی در بین افراد جامعه در تمام سطوح ساختاری به وجود می‌آید که خود منشأ آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی است. همچنین وجود ثروتمندی ناگهانی در برابر فقر جامعه یک عامل بحران‌زا و شتابزده تغییرات اجتماعی - اقتصادی در جامعه است که می‌تواند عامل مهمی برای شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی باشد. علاوه بر این وجود از هم پاشیدگی هنجارهای سنتی در جامعه بر وجود و بسط انحرافات و آنومی اجتماعی اثر می‌گذارد و این مساله در بروز انواع جرائم و آسیب‌ها اثر خواهد گذاشت (فرجاد، ۱۳۸۲).

• زوال خانواده هسته‌ای: در واقع از بزرگترین تغییراتی که در دو دهه اخیر در جامعه ایران در حال رخ دادن می‌باشد، زوال خانواده هسته‌ای است. فقر فرهنگی و اخلاقی در میان جوانان و خانواده، بروز بحران امتیازگرایی در میان اعضای خانواده، افزایش ناخالصی، از هم گسیختگی زناشویی در میان خانواده‌های ایرانی، بسط رفتارهای فزاینده زناشویی، مصرف مواد مخدر و الکل و .. همگی از آسیب‌های اجتماعی است که گریبانگیر خانواده شده است. لذا به این ترتیب سرمایه اجتماعی به نحوی متناظر با نظم اجتماعی است، افزایش آن تقویت نظم و کاهش آن حاکی از وجود انحرافات اجتماعی و آسیب‌ها، جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر و امثال آن است. بنابراین سرمایه اجتماعی به معنی وجود هنجارهای رفتاری مبتنی بر تشریک مساعی می‌باشد. کج رفتاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی نیز نشانه فقدان سرمایه اجتماعی است. کاهش سرمایه اجتماعی در خانواده‌ها آن‌ها را به این مسیر سوق می‌دهد که افراد در فروپاشی بنیان خانواده با هم همکاری

می‌کنند و طوری تعاملات را تنظیم می‌کنند که سرمایه اجتماعی منفی (مثل عدم پیوند اجتماعی، بی‌اعتمادی و...) گسترش می‌یابد. هر چه به میزان ناسازگاری بین اعضای خانواده بیشتر دامن زده شود و اتصال جمعی و اجتماعی بودن و روحیه دموکراسی در خانواده کمتر پرورش یابد، سرمایه اجتماعی منفی در قالب رفتارهای آسیب‌زا و انحرافات رفتاری بیشتر مشاهده می‌شود. در نتیجه اضمحلال خانواده هسته‌ای و افول سرمایه اجتماعی بیشتر فراهم می‌شود (روزبهبانی، ۱۳۷۸).

پیوند سرمایه اجتماعی و سوءمصرف مواد

در کشور ما که امروزه در حال گذار از سنت به مدرنیته می‌باشد، اعضای جامعه حتی در کوچک‌ترین لایه‌های زندگی همچون زندگی خانوادگی و زناشویی نسبت به هم کردارها و رفتارهای اخلاقی و اجتماعی (مثل صداقت، ارتباطات، اعتماد و...) کم‌رنگ‌تری دارند. این فقدان و کم‌رنگی اخلاقی و اجتماعی منجر به کاهش سرمایه‌های اجتماعی شهروندان نسبت به هم و نسبت به حکومت و دولت شده و در نتیجه جرائم و آسیب‌های اجتماعی در حال حاضر پررنگ‌تر شده است (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۵). بی‌سازمانی اجتماعی، نتیجه فرایندهای تضاد هنجاری و ارزشی، تغییرات فرهنگی، خلأهای فرهنگی و ضعف روابط اولیه است. فقدان سرمایه اجتماعی در لایه‌های مختلف اجتماع، مشکلات بسیاری را به همراه دارد و بدون این سرمایه، هیچ اجتماعی به هیچ سرمایه‌ای نمی‌رسد. از این رو این وضعیت باعث کاهش کنترل اجتماعی بیرونی و سوق دادن افراد به سمت رفتارهای انحرافی می‌شود (کجباف و رحیمی، ۱۳۹۰).

افول سرمایه اجتماعی از طریق مکانیسم‌هایی می‌تواند میزان آسیب اجتماعی را تحت تاثیر قرار دهد. این مکانیسم‌ها را می‌توان در فرایندهای روان‌شناسی اجتماعی و کنش‌های متقابل مشترک با مردم در تمام بخش‌های ساختار اجتماعی جست‌وجو کرد. هنگامی که در فرایند کنش روابط متقابل مردم سردی و تخریب حاکم باشد، جرم و جنایت و سایر آسیب‌های اجتماعی در جامعه افزایش می‌یابد (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۵). اعتیاد یکی از اثرات کاهش سرمایه اجتماعی است و با افزایش سرمایه اجتماعی و تاکید بر نقش

سازمان‌های مردم‌نهاد به میزان قابل توجهی می‌توان از اعتیاد پیشگیری و با آن مبارزه کرد. تقویت و افزایش انگیزه‌های اجتماعی در کلیه افراد، به خصوص معتادین و سازمان‌دهی آن‌ها در نهادهای مدنی باعث شکل‌گیری فرهنگ‌های درمانی و حمایتی خاص می‌شود. همچنین ضمن ایجاد سطح بالاتری از مشارکت و تعلق اجتماعی، موجب می‌شود که به طور غیرمستقیم، کنترل رفتارها و تعامل‌های اجتماعی و درمانی اعضای این نهادها، وابسته به سیاست موجود باشد (گرچی گرسامی، سیاه چشم، موسوی بیجاری و سیف، ۱۳۹۷).

ادوین ساترلند نقش کنش متقابل اجتماعی را در شکل‌گیری رفتار و گرایش‌ات انسان‌ها مورد تاکید قرار داده و معتقد است که رفتار مجرمانه در اثر هم‌نشینی و تماس با الگوهای جنایی آموخته می‌شود. هر چه تماس افراد با چنین محیط‌هایی زودتر آغاز شود (سن افراد)، تکرار تماس به دفعات بیشتر باشد (فراوانی معاشرت)، ارتباط نزدیک‌تر و عمیق‌تر باشد (عمق معاشرت) و مدت زمان معاشرت نیز طولانی‌تر باشد، احتمال اینکه فرد در نهایت دچار آسیب شده و به یک بزه‌کار تبدیل شود، بیشتر است. بر طبق دیدگاه افتراقی ساترلند می‌توان گفت که هر چه روابط افراد با گروه‌های همسال کجرو بیشتر باشد احتمال زیادی وجود خواهد داشت که او مرتکب جرم و آسیب شود. این نکته روابط بین سرمایه اجتماعی و جرم و آسیب اجتماعی را پیچیده‌تر می‌کند. با اضافه کردن سرمایه اجتماعی به تئوری پیوند افتراقی می‌توان نتیجه‌گیری نمود که با وارد شدن افراد در گروه‌های کجرو و برقراری ارتباط نزدیک با اعضای آن گروه به مرور زمان ارزش‌ها و هنجارهای خرده فرهنگ کجرو یاد گرفته می‌شود و از آن‌جا که انسجام درون گروهی بالا می‌باشد، از این رو فرد سعی می‌کند برای حفظ عضویت خود در گروه و حفظ همبستگی گروهی، رفتارهای کجرو یاد گرفته شده را بر ضد گروه‌های دیگر به کار ببندد، در نتیجه فرد دچار جرم و آسیب اجتماعی می‌شود. در این حالت می‌توان گفت که آن نوع سرمایه اجتماعی که در بین اعضای گروه وجود دارد از نوع سرمایه اجتماعی درون گروهی منفی بوده و هر چه سرمایه اجتماعی فاسد در جامعه بیشتر باشد میزان آسیب‌های اجتماعی در آن جامعه بیشتر است (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۵). بنابراین می‌توان گفت که هر اندازه فرد قبل از

اعتیاد، احساس پیوند بیشتری با اعضای شبکه سالم خود داشته باشد، به واسطه کنترلی که از طریق پیوندها و از سوی اعضای شبکه‌اش بر روی او اعمال می‌شود، میزان درگیری او در اعتیاد کمتر خواهد بود. ویژگی‌های شبکه شخصی و پیوندهای اجتماعی غیررسمی فرد از جمله بزرگی و کوچکی شبکه روابط، صمیمیت و همچنین حمایت‌هایی که فرد از شبکه اجتماعی خود دریافت می‌کند و تعهدات و تکالیفی که نسبت به آن‌ها احساس می‌کند به عنوان سرمایه یا منبع اصلی کنترل عمل کرده و بر روی درگیر شدن یا عدم درگیری فرد در اعتیاد و میزان شدت درگیری او در اعتیاد موثر است. این تاثیرات به این صورت است که اگر شبکه روابط فرد از نوع سالم و پیوندهای فرد با شبکه از نوع مثبت باشد، فرد حمایت‌های بیشتری را از اعضای شبکه دریافت می‌کند و تلاش خواهد کرد که با شبکه‌اش هم‌نوع بماند و کمتر احتمال دارد منحرف شود و به سوی اعتیاد پیش رود. در صورتی که اگر شبکه روابط فرد از نوع منفی و مخرب (عمدتاً شامل معتادان و افراد سابقه‌دار) باشد و میزان تماس فرد با چنین شبکه‌ای زیاد باشد، در نتیجه فرد به مرور هنجارها و ارزش‌های موافق با اعتیاد را از شبکه‌اش یاد می‌گیرد و احتمالاً درگیر اعتیاد می‌شود. بنابراین شبکه روابط اجتماعی به عنوان متغیر مهمی در ایجاد و حفظ اعتیاد موثر است (قبادزاده، مسعودی، محمدخانی و حسنی، ۱۳۹۶).

مشارکت نداشتن در فعالیت‌های اجتماعی و عدم اعتماد، مانع جذب فرد در چارچوب‌های اجتماعی می‌شود. در این صورت فرد احساس می‌کند که هیچ فصل مشترکی بین ارزش‌های فردی و اجتماعی‌اش وجود ندارد و نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی بی‌تفاوت و بی‌اعتماد می‌شود. بنابراین احساس می‌کند که سرنوشت اجتماع به نیروها یا ساختارهای خارجی مربوط است نه به اجزای تشکیل دهنده اجتماع و برای اجتماع توان بالقوه‌ای در مسیر تکامل خود قائل نیست. با این طرز تفکر، شخص احساس می‌کند که جامعه آنقدر پیچیده است که نمی‌توان آن را فهمید و آینده را پیش‌بینی کرد، بنابراین نگرش مثبت خود را نسبت به اجتماع و حتی افراد آن جامعه از دست می‌دهد. وقتی که نگرش‌های فوق در فرد ایجاد شد، فرد کارایی خود را از دست می‌دهد و احساس

می کند که نقش مهمی در پیشرفت و آینده جامعه نمی تواند داشته باشد و در نهایت سلامت اجتماعی فرد کاهش می یابد و در نتیجه اختلال در رفتارهای اجتماعی و ناهنجاری های اجتماعی و رفتاری مانند اعتیاد افزایش می یابد (باباپور خیرالدین و همکاران، ۱۳۹۵).

سرمایه اجتماعی اندک می تواند میزان بزهکاری، جرم و اعتیاد را پیش بینی نماید. نظریات قائل به این نکته هستند که هر چه همبستگی و انسجام در درون یک گروه، اجتماع یا جامعه کمتر باشد، میزان جرم و انحراف در آن بالاتر خواهد بود. به نظر فارهام (۲۰۰۴) سرمایه اجتماعی، عوامل استرس زا را در زندگی، کاهش و خطر این عوامل را کم می کنند. همچنین سرمایه اجتماعی می تواند اثر حوادث منفی زندگی را کاهش دهد. پیامد نداشتن معنا در زندگی، گسترش مثلث شوم افسردگی، پرخاشگری و اعتیاد است. فرد از خود بیگانه، احساس تعهد و تعلق خود را نسبت به دیگران از دست می دهد و روابط اجتماعی او آسیب می بیند، از این رو این وضعیت باعث کاهش کنترل اجتماعی بیرونی و سوق دادن افراد به سمت رفتارهای انحرافی می شود (به نقل از رحیمی و همکاران، ۱۳۹۰).

فرسایش سرمایه اجتماعی، جامعه را از ساختارهای ضروری و فضای اخلاقی که لازمه کارکرد بهینه آن است محروم می کند. اعتیاد خود حاصل فقدان سرمایه اجتماعی است و با افزایش سرمایه اجتماعی به میزان قابل توجهی می توان با اعتیاد مبارزه کرد. در سرمایه اجتماعی، افراد و اجتماعات در قالب ارزش ها، هنجارها و پیوندهای اجتماعی که در جریان تعاملات اجتماعی به وجود می آید، قابلیت های خود را افزایش می دهند، هویت یابی می کنند و در عین به دست آوردن امکان کنترل زندگی خود، از حمایت های محیطی و اجتماعی که در شبکه های ارتباطی آنها به وجود آمده، برخوردار می شوند. بنابراین، قدرت کنار آمدن آنها با فشارها و مسائل محیطی افزایش می یابد و به لحاظ روانی از آرامش و آسایش مطلوبی برخوردار خواهند شد، به همین دلیل ممکن است کمتر به دام اعتیاد بیفتند (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۰).

در زمینه ارتباط سرمایه اجتماعی با سوء مصرف مواد پژوهش های گوناگونی انجام شده

است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. پاکدامن (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و نگرش به مصرف مواد پرداخت. یافته‌ها نشان داد که سرمایه اجتماعی با نگرش منفی به پدیده اعتیاد، با موثر دانستن عوامل فردی و خانوادگی در امر توصیه و پیشگیری از اعتیاد و احساس مسئولیت و نگرانی در مورد مصرف مواد برای اقوام و آشنایان خود رابطه معنادار دارد. در ایران میزان سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بیشتر از سرمایه اجتماعی بین‌گروهی است. سرمایه اجتماعی بالا با نگرش منفی به اعتیاد رابطه دارد. این رابطه مربوط به سرمایه اجتماعی سنتی می‌باشد. با توجه به روند رو به تحلیل سرمایه اجتماعی از نوع قدیم در شهرهای توسعه یافته تر نظیر تهران، اصفهان و ... و جایگزین نشدن آن با سرمایه اجتماعی مدرن، لزوم تقویت سرمایه اجتماعی سنتی، همچنین ارتقا روابط انجمنی از طریق تشکیل نهادهای مدنی و مشارکت نهادمند مردمی به منظور تقویت سرمایه اجتماعی بین‌گروهی و شناخته شدن نقش آن در کنترل پدیده اعتیاد ضروری به نظر می‌رسد. باقری، نبوی، ملتفت و نقی‌پور (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی عوامل اجتماعی موثر بر پدیده اعتیاد در شهر اهواز پرداختند. به همین منظور ۱۳۵ نفر از معتادین خود معرف به مراکز بازپروری را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که بی‌هنجاری، انزوای اجتماعی، معاشرت با افراد معتاد و حضور در شبکه اجتماعی آن‌ها با اعتیاد رابطه دارند. رحیمی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی سرمایه‌های اجتماعی با تاکید بر نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از اعتیاد پرداختند. به همین منظور ۱۷۱ نفر از معتادین در حال بهبودی مراکز مردم‌نهاد و خصوصی شهر اصفهان را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که از نظر اعتماد تعمیم یافته، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و سرمایه اجتماعی کلی و احساس تعلق بین نمونه‌های درمانی مردم‌نهاد و مراکز خصوصی ترک اعتیاد تفاوت وجود دارد. نتایج این پژوهش بر نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از اعتیاد و راهکارهای پیشگیرانه با رویکردهای اجتماعی تاکید دارد. کجباف و رحیمی (۱۳۹۰) در پژوهشی به مقایسه انگیزه‌های فردی/اجتماعی و سرمایه اجتماعی معتادان در گروه‌های درمانی شهر اصفهان پرداختند. به این ترتیب ۳۰۰ نفر از معتادین را

در قالب سه گروه عضویت در انجمن DNA، تحت درمان اجتماع مدار و تحت درمان نگهدارنده با متادون مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که در اعتماد رسمی و غیررسمی، اعتماد تعمیم یافته و سرمایه اجتماعی بین گروهی، بین افراد هر کدام از این گروه‌ها تفاوت وجود داشت و به طور کلی سطح سرمایه اجتماعی در معتادان پایین بود. حیدر نژاد، باقری بنجار و اصائلو (۱۳۹۱) در پژوهشی به مقایسه میزان سرمایه اجتماعی در جوانان معتاد و غیرمعتاد پرداختند. به همین منظور ۱۶۰ نفر از افراد معتاد و ۱۶۰ نفر از افراد عادی شهر مشهد را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که بین دو گروه از نظر سرمایه اجتماعی تفاوت وجود دارد و افراد معتاد از سرمایه اجتماعی کمتری برخوردارند. اشرفی حافظ، کاظمینی و شایان (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی رابطه حمایت اجتماعی و جهت‌گیری مذهبی با میزان عود در معتادان تحت درمان نگهدارنده با متادون پرداختند. به همین منظور ۲۰۰ نفر بیمار تحت درمان با متادون را در مشهد مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که حمایت اجتماعی (از جانب خانواده و دوستان) با میزان عود رابطه منفی دارد. افزایش حمایت خانواده و جهت‌گیری دینی درونی با کاهش میزان عود و افزایش جهت‌گیری دینی بیرونی، با افزایش میزان عود همراه است. مرادی فرد، جوادی نیک و صفرپور (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر گرایش نوجوانان و جوانان (۱۵ تا ۲۵ سال) شهر یاسوج به اعتیاد پرداختند. به همین منظور ۳۶۵ نفر را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که بین سرمایه اجتماعی و گرایش به اعتیاد رابطه معکوس وجود دارد. رادان (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی معتادان به مواد مخدر در شهر تهران پرداخت. به همین منظور ۳۸۰ فرد مصرف‌کننده را مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که ضعف سرمایه اجتماعی معتادان به مواد مخدر موجب کاهش کیفیت زندگی این افراد می‌شود. یوسفی افراشته، امیری، مروتی، بابامیری و چراغی (۱۳۹۴) در پژوهشی کیفی به بررسی عوامل حمایت‌کننده پایداری ترک مصرف مواد مخدر پرداختند. به همین منظور ۱۳ نفر از معتادینی که بیشتر از ۲ سال از مدت ترک آن‌ها می‌گذشت را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند

که عواملی مانند دریافت حمایت اجتماعی از طرف دوستان و خانواده، بودن در محیط‌های پذیرنده و معنویت از جمله عواملی هستند که باعث پایداری ترک مواد می‌شوند. نقدی، رضایی دره ده و زندی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی عوامل اجتماعی موثر بر ترک اعتیاد موفق پرداختند. به همین منظور ۲۶۰ نفر از اعضای NA شهرستان نورآباد لرستان را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که طرد اجتماعی مضاعف، حمایت اجتماعی و هویت یابی با ترک اعتیاد به صورت موفق رابطه دارند. موسوی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی راهکارهای ارتقا مشارکت اجتماعی دانشجویان در پیشگیری از مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها پرداخت. به همین منظور ۳۰ نفر از اساتید دانشکده‌های حقوق، روان‌شناسی، ادبیات و اقتصاد دانشگاه اصفهان را انتخاب و در طی دو مرحله از طریق پرسشنامه راهکارهای اساسی ارتقا مشارکت اجتماعی دانشجویان در پیشگیری از مصرف مواد را اولویت‌بندی کردند. در این پژوهش، افزایش دانش، مهارت‌ها، اعتماد، همدلی، صمیمیت و حمایت اجتماعی از جمله راهکارهای افزایش مشارکت اجتماعی برای پیشگیری از مصرف مواد بود. حاجلو و جعفری (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی نقش استرس ادراک شده، هیجان خواهی و حمایت اجتماعی در اعتیاد پرداختند. به همین منظور ۳۰ فرد معتاد و ۳۰ فرد عادی را در اردبیل مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که سطح حمایت اجتماعی در افراد عادی بیشتر از افراد معتاد بود. اختری، خدایی، یاقوتی زرگر و فیض‌اللهی (۱۳۹۵) در پژوهشی مروری به بررسی نقش حمایت اجتماعی در پیش‌بینی بازگشت به اعتیاد پرداختند و به این نتیجه رسیدند که حمایت اجتماعی نقش موثری در پیشگیری از بازگشت به اعتیاد افراد وابسته به مواد بازی می‌کند. صدری دمیرچی، فیاضی و محمدی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی رابطه خودکارآمدی و حمایت اجتماعی ادراک شده با آمادگی به اعتیاد در سربازان خدمت وظیفه پرداختند. به همین منظور ۱۵۰ سرباز را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که بین خودکارآمدی و حمایت اجتماعی با گرایش به اعتیاد رابطه منفی وجود دارد. اکبری زردخانه و زندی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی پیش‌بینی پذیرش اعتیاد دانشجویان بر اساس احساسات

خود کارآمدی و حمایت اجتماعی آنان پرداختند. به همین منظور ۲۹۶ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که حمایت اجتماعی می‌تواند گرایش به مواد را پیش‌بینی کند. رازقی، فیروزجائیان و قاسم‌زاده (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی معتادان گمنان و تداوم ترک اعتیاد پرداختند. به همین منظور ۴۰۰ نفر از معتادین انجمن NA را در استان مازندران مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی شامل متغیرهای مشارکت اجتماعی، هنجارهای همیاری، اعتماد اجتماعی و احساس تعلق بر تداوم ترک اعتیاد تاثیر دارند. تاج‌الدینی و مقصودی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی آسیب‌شناسی و شناخت نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند صیانت و حمایت اجتماعی از معتادان بهبود یافته پرداختند. به همین منظور ۹۰ نفر از افراد دارای سابقه بالای ۳ سال پاک‌ی در گروه‌های NA شهر کرمان را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که میزان روابط اجتماعی، فشار اجتماعی، عدالت اجتماعی و حمایت اجتماعی با عدم گرایش مجدد به اعتیاد رابطه معنی‌دار دارد. قبادزاده و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی مروری به بررسی عوامل رفتاری، هیجانی و اجتماعی مرتبط با مواد پرداختند و به این نتیجه رسیدند که در سطح اجتماعی عواملی مثل وضعیت آنومیک، سرمایه اجتماعی، شبکه روابط، حمایت اجتماعی، شکاف بین نسلی و معنویت نقش عمده‌ای در گرایش، شروع و ادامه مصرف مواد ایفا می‌کنند. خرسندی، حسینیان و خدابخش کولابی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی رابطه حمایت اجتماعی با سلامت روان زنان معتاد پرداختند. به همین منظور ۱۵۰ نفر از مصرف‌کنندگان مواد را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که حمایت اجتماعی با سلامت روان افراد معتاد رابطه دارد، بنابراین با افزایش حمایت اجتماعی این افراد می‌توان سطح سلامت روان آنان را نیز ارتقا داد. حاتمیان، کرمی و مومنی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی رابطه مولفه‌های ادراک حمایت اجتماعی (خانواده، دوستان و دیگر افراد مهم) با گرایش به مصرف مواد روان‌گردان در پرستاران بیمارستان‌های شهر کرمانشاه پرداختند. به همین منظور ۳۴۱ پرستار از شهر کرمانشاه را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که

بین مولفه‌های ادراک حمایت اجتماعی با گرایش به مصرف مواد روان گردان رابطه وجود دارد. عظیمی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی نقش سرمایه اجتماعی در کاهش گرایش به اعتیاد زنان سرپرست خانوار شهر زنجان پرداخت. به همین منظور ۲۰۰ نفر از زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی زنجان را مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که بین بعد ارتباطی متغیر سرمایه اجتماعی با گرایش به اعتیاد رابطه معکوس وجود دارد. نیازی، عباس‌زاده و سعادت‌تی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی جامعه‌شناختی سهم مولفه‌های اجتماعی در تبیین رفتارهای مخاطره‌آمیز پرداختند. به همین منظور ۶۳۰ نفر از افراد سنین ۳۴-۱۵ سال شهر تبریز را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که تمامی مولفه‌های سرمایه اجتماعی شامل حمایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، آگاهی اجتماعی، انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی با بروز رفتارهای پرخطر ارتباط دارند. زارع شاه‌آبادی، اویسی و بنیاد (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و گرایش دانش‌آموزان به مصرف مواد مخدر پرداختند. به همین منظور ۳۵۵ نفر از دانش‌آموزان پسر مقطع دوم متوسطه شهر زابل را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با گرایش به مواد مخدر رابطه معکوس وجود دارد. گرجی گرسامی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت شهروندان در پیشگیری از اعتیاد پرداختند. به همین منظور ۳۸۴ نفر از شهروندان ساری بالای ۱۵ سال را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن (مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و روابط اجتماعی) و مشارکت شهروندان در پیشگیری از اعتیاد رابطه معناداری وجود دارد. توکلی قوچانی، نیکنامی، شکروی و حجت (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان تطبیق عوامل مرتبط با ترک اعتیاد با برخی سازه‌ها در مدل‌ها و تئوری‌های آموزش بهداشت به این نتیجه رسیدند که عوامل و انگیزه‌های مرتبط با اقدام و تداوم ترک اعتیاد عبارتند از: نگرش منفی به ادامه مصرف، فشارهای بیرونی بخاطر فرزندان و والدین، پافشاری خانواده، عواقب مصرف، ترس از گرفتاریهای قانونی، آبروریزی و از دست دادن شغل، حفظ ارتباطات

خانوادگی و وجود حمایت خانواده. گریفیلد و کلاد^۱ (۲۰۰۱) در پژوهشی به بررسی نقش سرمایه‌های اجتماعی در حل مشکل مصرف مواد پرداختند. به همین منظور ۴۶ نفر را تحت مصاحبه عمیق قرار داده تا اطلاعاتی را در رابطه با سرمایه‌های اجتماعی آن‌ها در زمان قبل از مصرف، زمان مصرف و در زمان درمان به دست بیاورند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی می‌تواند در بهبودی افراد مصرف‌کننده مواد موثر باشد. لاندبورگ^۲ (۲۰۰۵) در پژوهشی به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و سوء مصرف مواد در نوجوانان سوئد پرداخت. به همین منظور ۱۷۱۹ نوجوان بین سنین ۱۸-۱۲ سال را مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که سرمایه اجتماعی با مصرف مواد و سیگار رابطه منفی دارد. آنلو^۳ (۲۰۰۹) در پژوهشی به بررسی اثر سرمایه اجتماعی بر سوء مصرف مواد پرداخت و به این نتیجه رسید که بین مصرف مواد و سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد. آسلوند و نیلسون^۴ (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی سرمایه اجتماعی در ارتباط با مصرف الکل، سیگار و مواد مخدر در نوجوانان سوئد پرداختند. به همین منظور نوجوانان بین سنین ۱۸-۱۳ سال را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی با مصرف الکل، سیگار و مواد در نوجوانان رابطه دارد و می‌تواند به عنوان یک عامل مهم در برنامه‌های پیشگیری از مصرف مواد باشد. آنلو، ساهین و وان^۵ (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی و تاثیر آن‌ها بر استفاده از مواد مخدر پرداختند و به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی و ابعاد آن بر مصرف مواد اثرگذار هستند. آنلو و ساهین (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی اثر سرمایه اجتماعی بر سوء مصرف مواد پرداختند و به این نتیجه رسیدند که سوء مصرف مواد با سرمایه اجتماعی رابطه دارد. ایوانس، کاتر، روز و اسموکوسکی^۶ (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی سوء مصرف مواد در نوجوانان روستایی و تاثیر سرمایه اجتماعی، سرمایه ضد اجتماعی و محرومیت سرمایه اجتماعی پرداختند. به همین منظور در این مطالعه طولی که ۵ سال به طول انجامید به این نتیجه رسیدند که سرمایه

1. Granfield & Cloud
 2. Lundborg
 3. Unlu
 4. Aslund & Nilsson

5. Unlu, Sahin & Wan
 6. Evans, Cotter, Rose & Smokowski

اجتماعی با کاهش مصرف مواد مرتبط است و سرمایه ضداجتماعی و محرومیت سرمایه اجتماعی با افزایش مصرف مواد و الکل مرتبط است. آوگو، ماگورا و کورین^۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی سرمایه اجتماعی، سوء مصرف مواد و افسردگی در جوانان پرداختند. به همین منظور جوانان بین سنین ۱۷-۱۲ سال را که در سال ۲۰۰۹ در بررسی ملی سوء مصرف مواد شرکت کرده بودند، مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی با سوء مصرف مواد رابطه دارد. ترفرز^۲ (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی نقش سرمایه اجتماعی در سوء مصرف مواد پرداخت. وی به این نتیجه رسید که بین سرمایه اجتماعی و سوء مصرف مواد و وابستگی به آن رابطه وجود دارد و کمبود سرمایه اجتماعی می تواند یکی از عواملی باشد که افراد را به سمت مصرف مواد سوق می دهد. ون^۳ (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی سرمایه اجتماعی و سوء مصرف مواد نوجوانان، با تاکید بر نقش خانواده، مدرسه و همسالان پرداخت و به این نتیجه رسید که سرمایه اجتماعی، خانواده و همسالان عوامل اثر گذاری بر سوء مصرف مواد هستند. دیرفیلد، هورن و جیگوتیپ-اختر^۴ (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی اثر عوامل اجتماعی بر توقف مصرف سیگار پرداختند و به این نتیجه رسیدند که عوامل اجتماعی و بافت اجتماعی می توانند کاهش مصرف سیگار را پیش بینی کنند. جورج، پایوا، واله، کاواچی و زرز^۵ (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی مصرف الکل در میان دانش آموزان و ارتباط آن با سرمایه اجتماعی و وضعیت اقتصادی-اجتماعی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی و وضعیت اقتصادی-اجتماعی در گرایش به مصرف الکل موثر هستند. لاردیر، باریوس، گارسیا-رید و رید^۶ (۲۰۱۸) در پژوهشی به پیشگیری از سوء مصرف مواد با تاکید بر نقش خانواده، شبکه حمایت اجتماعی، اهمیت مدارس و مشارکت اجتماعی در جوانان شهرنشین اسپانیایی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که دسترسی به منابع اجتماعی بیشتر مانند حمایت خانواده، حمایت اجتماعی باعث مشارکت اجتماعی بیشتر در جوانان شده و پیامد این امر می تواند

1. Awgu, Magura & Coryn
2. Treffers
3. Wen
4. Dearfield, Horn & Jipguep-Akhtar

5. Jorge, Paiva, Vale, Kawachi & Zarzar
6. Lardier, Barrios, Garcia-Reid, & Reid

پیشگیری از گرایش به مصرف مواد باشد. هان^۱ (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی سرمایه اجتماعی و مصرف سیگار پرداخت و به این نتیجه رسید که شبکه اجتماعی به طور مثبت و مشارکت اجتماعی و اعتماد به طور منفی با مصرف سیگار رابطه دارند. فرنیا^۲ و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی نقش سبک‌های دلبستگی و حمایت اجتماعی ادراک شده در پیش‌بینی سوء مصرف متامفتامین پرداختند و به این نتیجه رسیدند که سبک‌های دلبستگی و حمایت اجتماعی ادراک شده در گرایش به مصرف متامفتامین نقش دارند و می‌توانند آن را پیش‌بینی کنند.

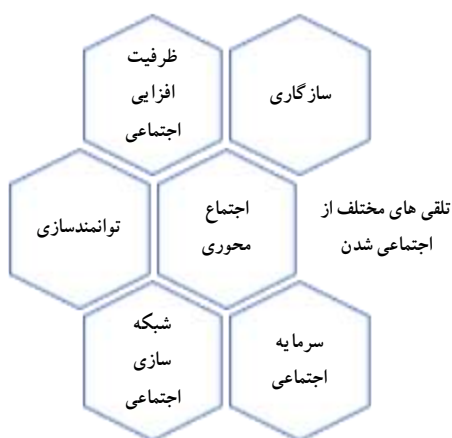
اجتماعی شدن مبارزه به مثابه سرمایه اجتماعی

اجتماعی شدن مبارزه با مصرف مواد مخدر به مثابه یکی از مهم‌ترین شاخص‌های «سرمایه اجتماعی» در نظر گرفته شده است. در این معنا، «تعداد» و «چگالی» سازمان‌های غیررسمی فعال نظیر تعداد باشگاه‌ها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی فعال در امر مبارزه از یک سو و تعداد اعضای آن‌ها و نوع و وسعت فعالیت افراد عضو از سوی دیگر اهمیت اساسی دارند. طرفداران این تلقی از مبارزه، سرمایه اجتماعی را مثبت تلقی کرده و هر چه تعداد سازمان‌ها و اعضای درگیر آن‌ها در امر مبارزه بیشتر باشد، آن را امری خوشایند به حساب می‌آورند. در چنین درکی از اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر، پیوندهای اجتماعی اهمیتی بنیادین دارند (بقایی سرابی، ۱۳۹۷). از دیدگاه کاماگینی (۲۰۰۲)، به نقل از بقایی سرابی، (۱۳۹۷) سرمایه اجتماعی می‌تواند به عنوان مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌ها که تعاملات بین مردم را شکل می‌دهد، نهادهایی که آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد، شبکه‌های ارتباطی تأسیس شده در میان بازیگران اجتماعی و به طور کلی همبستگی اجتماعی تعریف شود. به بیان دیگر سرمایه اجتماعی همانند چسبی است که جامعه را به هم پیوند می‌دهد. حسب نظر وی، سرمایه اجتماعی از دو بعد مقیاس و درجه رسمی بودن قابل تبیین است. سرمایه اجتماعی در قالب رسوم، آداب اجتماعی، انگاره‌ها و ارزش‌های اجتماعی، اعتماد بین افراد، اعتبار و مشارکت، نهادها، هنجارها و قواعد، شبکه‌های اجتماعی، انجمن‌ها و

1. Han

2. Faarnia

روابط فردی شکل می‌گیرد (فرجی‌راد و کاظمیان، ۱۳۹۱، به نقل از بقایی، ۱۳۹۷). به‌طور خلاصه، شش تلقی مختلف از «اجتماعی‌شدن» مبارزه با مواد مخدر در شکل زیر ارائه شده است که یکی از آنها سرمایه اجتماعی است (بقایی سرابی، ۱۳۹۷).



شکل ۱: تلقی‌های مختلف از مفهوم «اجتماعی‌شدن» مبارزه با مواد مخدر

رویکرد ایرانی اجتماعی‌شدن امر مبارزه با مواد مخدر از چند «تاکتیک» بهره می‌برد که یکی از آن‌ها سرمایه اجتماعی است. موفقیت اجتماعی‌شدن امر مبارزه با مواد مخدر وابسته به کم و کیف «سرمایه اجتماعی» است. سرمایه اجتماعی به عنوان یک دارایی و منبع انرژی برای مبارزه با مواد مخدر قلمداد می‌شود. در این معنا، «تعداد» و «چگالی» سازمان‌های غیررسمی فعال (نظیر تعداد باشگاه‌ها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی فعال در امر مبارزه) از یک سو و تعداد اعضا و نوع و وسعت فعالیت افراد عضو از سوی دیگر اهمیت اساسی دارند. در چنین درکی از اجتماعی‌شدن مبارزه با مواد مخدر، پیوندهای اجتماعی اهمیتی بنیادین دارند. تاکتیک سرمایه اجتماعی به نوبه خود از سه زیرمؤلفه اساسی برخوردار است: «اعتماد اجتماعی»، «مسئولیت‌پذیری» و «هنجارها» (بقایی سرابی، ۱۳۹۷).

زیرمؤلفه یک: اعتماد اجتماعی

اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از جنبه‌های اصلی سرمایه اجتماعی، به وضعیتی ترکیبی از پیش‌بینی‌پذیری رفتارها، کاهش مخاطرات رفتاری در آینده، حسن ظن و حس مثبت به

اجتماع مربوط است که در بستر روابط اجتماعی شکل گرفته و به نوبه خود موجب تشکّل روابط اجتماعی معطوف به مبارزه با مواد مخدر در هیئت یک اجتماع می‌شود. اعتماد اجتماعی بدین نحو ساز و کار مناسبی برای «تقلیل حدوث کنش» در امر مبارزه محسوب می‌شود که منجر به «دوام مشارکت در طول زمان» می‌شود. استخراج این زیر مولفه بر مستندات زیر استوار است (بقایی سرایی، ۱۳۹۷).

جدول ۱: افکار، اندیشه‌ها، تجربیات و نظریه‌های پشتیبان مفهوم اعتماد اجتماعی (اقتباس از بقایی سرایی، ۱۳۹۷).

موضوع	
صرامی	لزوم شفاف‌سازی و صداقت در عرصه انتقال ضعف‌ها، عدم موفقیت‌ها، آمارها و ایجاد چرخه اطلاعات در عرصه اعتیاد و امر مبارزه، به منظور اعتمادسازی و مشارکت آحاد جامعه.
برنامه چهارم توسعه	طبق ماده ۹۷ برنامه چهارم توسعه «دولت مکلف است به ... بسط و گسترش روحیه نشاط، شادابی، امیدواری، اعتماد اجتماعی، تعمیق ارزش‌های دینی و هنجارهای اجتماعی» بپردازد.
تجربه کشور فیلیپین	با توجه به جوان بودن جمعیت فیلیپین، مقامات دولتی در صدد ایجاد اعتماد برای مراجعه جوانان معتاد به مراکز بازپروری و ترک بوده است.
تجربه کشور مکزیک	محیط مدرسه مکانی تأثیرگذار برای برنامه‌های پیشگیری است، چرا که اجرای درازمدت این برنامه‌ها و همچنین برقراری ارتباط بر پایه اعتماد درباره مصرف مواد در مدرسه امکان‌پذیر است. برقراری اعتماد طولانی‌مدت بین دانش‌آموزان و معلمان درباره مصرف مواد نقش اصلی را ایفا می‌کند. پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که برنامه‌های کوتاه‌مدتی که خطرات مصرف مواد را به عنوان یک گزینه سلامت مجزا ارائه می‌کنند با شکست مواجه می‌شوند. زیرا دانش‌آموزان از منبع برنامه سلب اعتماد کرده و نمی‌توانند با ارائه منفصل اطلاعات ارتباط برقرار کنند.

زیر مولفه دو: مسئولیت‌پذیری اجتماعی

این زیر مولفه اغلب با «تعهد اجتماعی» مترادف قلمداد می‌شود و موجب «تقدم منافع جمعی بر منافع فردی» کنش‌گران در دوره‌های متعددی است که در فرایند اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر حادث می‌شوند. این زیر مولفه با استناد به موارد زیر قابل استخراج است.

جدول ۲: افکار، اندیشه‌ها، تجربیات و نظریه‌های پشتیبان مفهوم مسئولیت‌پذیری اجتماعی
(اقتباس از بقایای سوابی، ۱۳۹۷)

موضوع	
رحمانی فضلی	همه ما در این خصوص مسئول و مکلف به کمک برای نجات آن بخشی از جامعه هستیم که دچار بیماری شده است. برخی تشریفات اجتماعی و آداب و سنن باید بطور دائمی بازتعریف و از غنای فرهنگی برخوردار باشند. به عنوان مثال در کنترل و نظارت‌های محلی و بومی در ایران قدیم بخصوص در شهرهای بزرگ همه همسایگان یک کوچه نسبت به تک افراد احساس مسئولیت می‌کردند و در حل خیلی از مشکلات کمک می‌کردند. این موضوع امروزه رو به فراموشی است. تصور کنید در یک محله یا منطقه چنین احساس مسئولیتی می‌تواند در بسیاری از آسیب‌ها بعنوان کنترل‌کننده و ناظر کمک کند.
نظریه	اجتماع موجودیتی دربرگیرنده احساسات مشترک میان افراد است که از طریق تعلق خاطر و روحیه مشترک اعضا بازتولید می‌شود، با مسئولیت و تعهد اجتماعی آن‌ها به هنجارهای مشترک تقویت می‌شود و به‌عنوان یک پل میان افراد و گروه‌های اجتماعی عمل می‌کند.
نظریه	نخستین پژوهش‌های مبتنی بر رویکرد نفوذ اجتماعی بر ایمن‌سازی روانی و تصحیح انتظارات هنجاری تأکید می‌کرد. ولی پژوهش‌های اخیر بر متغیرهای دیگری مثل درگیر کردن نوجوانان در یک تعهد جمعی برای عدم مصرف مواد تأکید می‌کنند.
	یک مؤلفه عمومی رویکرد نفوذ اجتماعی شیوه‌ای است که به وسیله آن افراد را با یک «تعهد جمعی» در عدم مصرف سیگار، مشروبات الکلی یا مصرف مواد دیگر درگیر می‌کند. مزایای استفاده از این روش، افزایش تعهد جمعی، تعیین نیازهای واقعی و طراحی مداخلات مناسب جهت رفع مشکل، کاهش هزینه‌های اضافی و صرفه‌جویی در منابع، استفاده از اکثریت پتانسیل‌های موجود در جامعه است.
تجربه کشور مالزی	پروژه دیگری که در مالزی دنبال می‌شود هفت گام برای داشتن محیط کار عاری از مواد نام دارد. این برنامه شامل برداشتن گام‌هایی نظیر کسب تعهد و مشارکت مدیران و برنامه‌های مبتنی بر جامعه و کسب تعهد و مشارکت مدیران می‌شود... بنابراین تدوین سیاست و راهبرد باید توأم با کسب تعهد و مشارکت مدیران باشد. برای این کار کمیته‌ای متشکل از اعضای زیر در کارخانجات تشکیل می‌شود: مدیریت ارشد، نماینده کارگران، متخصصین خارج از سازمان و ناظرین و نمایندگان قسمت‌های اداری.
تجربه کشور آمریکا	مطالعات جدیدتر روی عوامل شناخته شده‌ای متمرکز شده‌اند که امکان مصرف مواد را کاهش می‌دهند. این عوامل محافظت‌کننده شامل پیشرفت تحصیلی، تعهد و پیوند قوی با نهادهای اجتماع‌پسند از جمله خانواده، مدرسه و نهادهای مذهبی است.

زیرمؤلفه سه: هنجارها

«هنجارها» قواعد ارزیابی‌کننده و الزام‌آور مصوب بخش عظیمی از جامعه محسوب می‌شوند که از طریق درونی شدن در شخصیت افراد و نهادینه شدن در نظام فرهنگی جامعه موجب هدایت تک تک اعضای متعهد به فرایند اجتماعی شدن امر مبارزه با مواد مخدر

می شود. هنجارها با رسوخ در انتظارات نقشی به تنظیم روابط اعضای شرکت کننده در آن فرایند می پردازند. قطبی شدن هنجاری، تضاد هنجاری، ضعف هنجاری و بی هنجاری منجر به تضعیف عنصر هنجاری سرمایه اجتماعی در امر اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر می شوند. این زیر مولفه سرمایه اجتماعی عنصر کنترلی قوی در مبارزه محسوب می شود که بر مستندات زیر بنیان نهاده شده است.

جدول ۳: افکار، اندیشه ها، تجربیات و نظریه های پشتیبان مفهوم «هنجارها»

موضوع	
رحمانی فضلی	در رویکرد اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر نیز باید هنجارها و اصول ارزشی در آن تعریف و یا بازتعریف شود و هرگونه فعالیت و تلاش برای مقابله به عنوان یک ارزش انسانی متعالی تلقی شود و این ارزش به عنوان معیاری برای رفتارهای نوع دوستانه و انسانی تلقی شود. در این صورت است که وقتی این روند با ارزش های اجتماعی موجود در جامعه پیوند می خورد معنایی پایدار پیدا می کند. بسیج عمومی، هنجارسازی، حساسیت زایی در میان افکار عمومی و فرهنگ سازی از مفاهیمی هستند که انتظار داریم در فرایند مفهوم سازی کاربردی و تئوریک به همکاران ما در ستاد مبارزه با مواد مخدر کمک نمایند. در فرایند اجتماعی شدن مبارزه با مواد مخدر باید نشانه هایی در قالب واژگان و مفاهیم خلق و تولید شود که بیشترین انگیزش، مسئولیت پذیری و هنجارآفرینی را ایجاد کند.
نظریه ها	برای رسیدن به سطحی معین از استانداردهای زندگی نیاز به چهارچوب های نهادی جدیدی که شامل هنجارها، مقررات، ظرفیت ها، سازمان ها و مشوق ها است وجود دارد
نظریه ها	رویکرد نفوذ اجتماعی و تقویت توانایی ها، هر دو، شامل بخش هایی برای افزایش هنجارهای ضد مواد مخدر هستند. آموزش مهارت های اجتماعی شامل آموزش هنجارهای ضد مواد است و به دانش آموزان کمک می کند مهارت های عمومی را در موقعیت هایی که به طور خاص با پیشگیری از مصرف مواد ارتباط دارند مورد استفاده قرار دهند.
نظریه ها	در الگوی ترکیبی «بوتوین» مهم ترین عوامل موثر بر مصرف مواد شامل عوامل مختلف از جمله حیطه تاثیرات رسانه های گروهی در ترویج نگرش ها و هنجارهای تقویت کننده مصرف مواد نظیر شوهای تلویزیونی، فیلم ها، تبلیغات سیگار و مشروبات الکلی است.

بحث و نتیجه گیری

موضوع مواد مخدر یکی از مهم ترین مسائل اجتماعی اغلب کشورهاست. در سال های اخیر ابعاد مساله اعتیاد هم در سطح کشور ما و هم در سطح جهانی به حد نگران کننده ای رسیده است. در این میان آسیب پذیرترین گروه، جوانان هستند که به دلیل بحران هویت،

بحران‌های ناشی از مشکلات اجتماعی، ماجراجویی، لذت‌جویی و تنوع‌طلبی بیش از سایر گروه‌های اجتماعی در معرض استفاده از مواد مخدر قرار می‌گیرند. اعتیاد در کشور ما طی سال‌های اخیر روند رو به افزایش داشته است، وجود ۲/۵ میلیون معتاد رسمی و حدود ۴ میلیون معتاد تفننی که نهایتاً آنان نیز ممکن است که معتاد دائم شوند، لزوم توجه به این پدیده ناخوشایند را بیشتر و رهایی از این مسمومیت را مسلم‌تر می‌کند (سحافی، قربان صباغ و محمدی، ۱۳۹۶). بحران اعتیاد از بحران‌های عمده جهانی است که شکل مخاطره‌آمیز و کاملاً پیچیده‌ای به خود گرفته و سایه شومش بر تمامی جوامع انسانی سایه افکنده است. این معضل اجتماعی منجر به از هم پاشیدگی خانواده‌ها و زیان‌های جدی و خطرناک جسمی از قبیل ابتلا به بیماری‌های عفونی و آگیردار همچون ایدز و هپاتیت و مشکلات متعدد اجتماعی و اقتصادی از قبیل جرم‌های مرتبط با مواد مخدر می‌شود. معضل اعتیاد باعث هدر رفتن سرمایه‌های کلان مادی کشورها می‌شود و شیوه‌های مقابله با آن دل‌مشغولی‌های فراوانی را برای برنامه‌ریزان و مجریان جامعه به وجود آورده است. با توجه به این که امروزه ریشه کن کردن اعتیاد بیشتر به یک آرزو تبدیل شده و انجام عملی آن مستلزم تلاش و تحقیق و تحمل مشکلات بسیاری است، لزوم پیشگیری از آن بیش از پیش احساس می‌شود. این امر مستلزم این است که آگاهی عمیقی از جوانب مختلف این پدیده به دست آید و عوامل اثرگذار بر این پدیده به خوبی شناخته شوند. یکی از این عوامل همان طور که مطرح شد، سرمایه اجتماعی است. آن نوع از سرمایه اجتماعی برای افراد مفید است و باعث جلوگیری از آسیب‌ها و ارتکاب جرم می‌شود که از طریق ارتباط با افراد بهنجار و عادی به وجود آمده باشد. در غیر این صورت فرد با ایجاد رابطه با افراد کجرو و منحرف اگرچه سرمایه اجتماعی لازم را به دست می‌آورد اما این نوع سرمایه اجتماعی نامطلوب بوده و منجر به کجرو شدن فرد خواهد شد (خرسندی و همکاران، ۱۳۹۶؛ حیدر نژاد و همکاران، ۱۳۹۱). شناسایی و تقویت سرمایه اجتماعی در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد و عضویت‌های داوطلبانه سبب افزایش سطح همکاری اعضا در گروه‌های اجتماعی و جامعه می‌شود و از این طریق سطح ارتباطات، نظارت و کنترل در

سطح نهادهای عمومی اجتماعی افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی، ارتباط متقابل افراد با یکدیگر، اعتماد و قابلیت اطمینان است که می‌تواند با ایجاد شناخت مناسب و تسهیل امکانات موجود، کارایی جامعه را بهبود بخشد و موجبات کاهش آسیب‌پذیری افراد جامعه را فراهم آورد. در نتیجه می‌توان از آن در فرایند پیشگیری از اعتیاد استفاده کرد. سرمایه اجتماعی جامعه را سالم‌تر، دارا تر و شاید باتدبیرتر و شکیباتر سازد (عظیمی، ۱۳۹۶؛ گرجی گرسامی و همکاران، ۱۳۹۷؛ رحیمی و همکاران، ۱۳۹۰).

به نظر می‌رسد که به طور کلی سیستم درمانی کشور بیشتر فردی است. بر این اساس، روحیه فردگرایی در جامعه رواج یافته است و از میزان مشارکت افراد در عرصه‌های اجتماعی کاسته شده است. همچنین می‌توان گفت که از سرمایه اجتماعی در امر پیشگیری و درمان اعتیاد به گونه کاربردی استفاده نشده است. از این رو، به برنامه ریزی‌ها و همکاری‌های اصولی سازمان‌های مختلف جامعه و توجه بیشتر به ابعاد اجتماعی سلامت و درمان نیاز است. تاکید بر نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در گسترش سرمایه اجتماعی ارائه راهکارهای پیشگیرانه با رویکردهای اجتماعی امری ضروری است. تاکید بر مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و شبکه روابط اجتماعی می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری و درمان اعتیاد داشته باشد. باید به گسترش سازمان‌ها و انجمن‌های داوطلبانه و غیر دولتی نظیر انجمن‌های مردم‌نهاد بدهی بیشتری داده شود. براساس یافته‌های بسیاری از پژوهش‌ها می‌توان دریافت که با افزایش سرمایه اجتماعی می‌توان گرایش به سوء مصرف مواد در معتادان را کاهش و تداوم ترک اعتیاد در آن‌ها را افزایش داد.

بُعد شناختی سرمایه اجتماعی به مواردی مانند ارزش‌ها، عقاید، نگرش‌ها، رفتارها و هنجارهای اجتماعی می‌پردازد. بُعد ساختاری سرمایه اجتماعی دربرگیرنده ساختارها و شبکه‌هایی است که حاوی فرایندهای تصمیم‌گیری جمعی و مسئولیت متقابل است. افرادی که سابقه مصرف مواد مخدر دارند، معمولاً با اطرافیان خود رابطه اندکی داشته و از داشتن یک زبان مشترک برای تبادل اندیشه و بیان احساسات با اطرافیان خود محروم هستند. این افراد قدرت تبادل مفاهیم با دیگران و به دست آوردن تجربه مشترک را از دست داده‌اند،

از این رو دچار انزوای اجتماعی شده و کیفیت زندگی آن‌ها نیز به شدت کاهش می‌یابد. با افزایش بُعد شناختی سرمایه اجتماعی، کیفیت زندگی نیز بهبود پیدا می‌کند. بین بُعد ساختاری سرمایه اجتماعی با کیفیت زندگی معتادان به مواد مخدر رابطه معناداری وجود دارد و یکی از عوامل مهم در سوق دادن افراد به سوی مصرف مواد مخدر، داشتن رابطه گروهی با اشخاص مصرف‌کننده از یک سو و نداشتن پیوند و رابطه گروهی با افراد سالم جامعه از سوی دیگر است (رادان، ۱۳۹۵).

در شرایط کنونی، به منظور تقویت سرمایه اجتماعی در سطح محلات، توجه به محله‌های شهری و مطالعه ظرفیت‌های موجود در آن‌ها ضرورت دارد و می‌تواند پشتوانه‌ای را برای بسط نظری و عملی رویکرد اجتماعی شدن امر مبارزه با مواد مخدر در سطح محلی فراهم کند (اکبری، ۱۳۹۴، به نقل از بقایی سرابی، ۱۳۹۷). رویکردی که بر خلاف رویکرد نیازمحور که از «بالا به پایین» است بر قاعده از «پایین به بالا» تعریف شده و بر ظرفیت‌سازی و بهره‌گیری از توان مردم محلی برای مبارزه با مواد مخدر کمک می‌گیرد. این رویکرد، سرمایه اجتماعی را به عنوان یک دارایی و منبع انرژی می‌داند. می‌توان عرصه عمومی و محله را به عنوان ظرف روابط و پیوندهای اجتماعی در نظر گرفت که کم و کیف این روابط و پیوندها به نوعی کارکردها، آثار و پیامدهای عرصه عمومی و محلی را در حیات و مناسبات اجتماعی نشان می‌دهد (غفاری، ۱۳۹۰، به نقل از بقایی سرابی، ۱۳۹۷).

نکته مهم این است که پیش‌نیاز تحقق کامل و جامع رویکرد اجتماعی شدن، تقویت گفتمان اجتماعی، شکل‌گیری اهتمام اجتماعی از سوی همه لایه‌های جامعه، بهره‌گیری از تمامی فرصت‌ها و ظرفیت‌ها اعم از منابع، مساجد، مدارس، دانشگاه‌ها، اجتماعات محلی و ایجاد کارزار رسانه‌ای موثر، پرهیز از هر گونه نگاه اداری و آماری و ضرورت شکل‌گیری نهضت فراگیر اجتماعی پیشگیری اولیه از اعتیاد و ارزیابی مستمر میزان اثربخشی اقدامات در افزایش دانش، تغییر نگرش و بینش و شکل‌گیری رفتار ضد اعتیاد در جامعه است. دستیابی به این مولفه بسیار مهم و اساسی، واگذاری امور از سوی دستگاه‌های دولتی به سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکل‌های مردمی است تا به وسیله مردم شاهد خلأیت،

گفتگو، احساس تعلق، شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی گسترده برای اجتماعی شدن امر مبارزه علیه اعتیاد، مواد مخدر و روان‌گردان‌ها در سطح کشور باشیم و بدین ترتیب با تقویت سرمایه‌های اجتماعی شاهد جامعه‌ای سالم و بانشاط باشیم (صرامی، به نقل از بقایی سرابی، ۱۳۹۷). به طور کلی و با توجه به مطالبی که پیش‌تر مطرح شده می‌توان گفت که برای پیشگیری، مبارزه و درمان پدیده اعتیاد استفاده از شاخصه‌های اجتماعی مانند سرمایه اجتماعی امری ضروری است.

منابع

- اختری، فرزاد؛ خدایی، آمنه؛ یاقوتی زرگر، حسن و فیض‌اللهی، سارا (۱۳۹۵). مروری بر نقش حمایت اجتماعی در پیش‌بینی بازگشت به اعتیاد. *فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد*، ۳(۱۰)، ۵۴-۳۳.
- اشرفی حافظ، اصغر؛ کاظمینی، تکتم و شایان، شادی (۱۳۹۳). رابطه حمایت اجتماعی و جهت‌گیری مذهبی با میزان عود در معتادان تحت درمان نگهدارنده با متادون. *نشریه علمی-پژوهشی دانشکده پرستاری و مامایی*، ۲۴(۸۴)، ۴۴-۳۵.
- اکبری زردخانه، سعید و زندی، سعید (۱۳۹۵). پیش‌بینی پذیری اعتیاد در دانشجویان بر اساس احساسات خودکارآمدی و حمایت اجتماعی آنان. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۷(۲)، ۴۴-۳۶.
- باباپور خیرالدین، جلیل؛ عزتی، داود؛ صادقی، بابک؛ حکیمی، معصومه؛ وطن دوست، مهدیه؛ محمدعلیزاده رفیع، ثنا و هاشمی نصرت آباد، تورج (۱۳۹۵). بررسی رابطه مشارکت اجتماعی در بهبود رفتار روانی-اجتماعی و بازتوانی بیماران اعتیاد. *طرح پژوهش دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری*.
- باقری، معصومه؛ نبوی، عبدالحسین؛ ملتفت، حسین و نقی پور، فاطمه (۱۳۸۹). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر پدیده اعتیاد در شهر اهواز. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۱(۲)، ۱۳۶-۱۱۹.
- بقایی سرابی، علی (۱۳۹۷). اجتماعی شدن: رویکردی نوین در کاهش تقاضای مواد مخدر و روان‌گردان‌ها. تهران: انتشارات دنیای درون.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰). *دموکراسی و سنت‌های مدنی*. ترجمه محمد تقی دلفروز. تهران: وزارت کشور. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۹۳).
- پاکدامن، طاهره (۱۳۸۹). *رابطه سرمایه اجتماعی و نگرش به مصرف مواد در ایرانیان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران.

تاج الدینی، اورانوس و مقصودی، سوره (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی و شناخت نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند صیانت و حمایت اجتماعی از معتادان بهبود یافته. طرح پژوهشی دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر.

توکلی قوچانی، حمید؛ نیکنامی، شمس‌الدین؛ امین شکروی، فرخنده و حجت، کاوه (۱۳۹۳). تطبیق عوامل مرتبط با ترک اعتیاد با برخی سازه‌ها در مدل‌ها و تئوری‌های آموزش بهداشت: یک مقاله مروری. *مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی*، ۶(۴)، ۹۸۱-۹۶۹.

چلبی، مسعود (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم*. تهران: نشر نی.

حاتمیان، پیمان؛ کرمی، جهانگیر و مومنی، خدامراد (۱۳۹۶). رابطه مولفه‌های ادراک حمایت اجتماعی (خانواده، دوستان و دیگر افراد مهم) با گرایش به مصرف مواد روان‌گردان در پرستاران بیمارستان-های شهر کرمانشاه. *فصلنامه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت*، ۵(۴)، ۳۷۳-۳۶۷.

حاجلو، نادر و جعفری، عیسی (۱۳۹۴). نقش استرس ادراک شده، هیجان خواهی و حمایت اجتماعی در اعتیاد. *فصلنامه علمی-پژوهشی روان‌شناسی سلامت*، ۴(۴)، ۳۰-۱۹.

حیدرآباد، علیرضا؛ باقری بنجار، عبدالرضا و اصانلو، علی (۱۳۹۱). مقایسه میزان سرمایه اجتماعی در جوانان معتاد و غیرمعتاد. *فصلنامه اعتیاد پژوهی*، ۶(۲۴)، ۹۴-۸۵.

خرسندی، زینب؛ حسینیان، سیمین و خدابخش کولایی، آناهیتا (۱۳۹۶). بررسی رابطه حمایت اجتماعی با سلامت روان زنان معتاد. *فصلنامه مددکاری اجتماعی*، ۶(۳)، ۱۳-۵.

رادان، فاطمه (۱۳۹۴). بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی معتادان به مواد مخدر در شهر تهران. *مجله مدیریت فرهنگی*، ۹(۲۹)، ۶۰-۴۹.

رازی، نادر؛ فیروزجائیان، علی اصغر و قاسم زاده، هادی (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی معتادان گمنام و تداوم ترک اعتیاد (مطالعه موردی: معتادان شرکت کننده در انجمن‌های NA استان مازندران). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۶(۴)، ۵۹۳-۵۷۱.

رحیمی، فاطمه؛ اسماعیلی، مریم؛ نوری، ابوالقاسم و مهدوی، علیرضا (۱۳۹۰). بررسی سرمایه اجتماعی با تاکید بر نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از اعتیاد. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۴(۴)، ۶۲-۴۵.

روزبهنایی، توران (۱۳۷۸). *نقش خانواده به عنوان عامل و مانع بزهکاری نوجوانان (با تکیه بر نظم در خانواده)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه الزهرا تهران.

زارع شاه‌آبادی، اکبر؛ اویسی، محمدعلی و بنیاد، لیلی (۱۳۹۷). رابطه بین سرمایه اجتماعی و گرایش دانش‌آموزان به مصرف مواد مخدر. *فصلنامه انتظام اجتماعی*، ۱۰(۱)، ۲۰-۱.

سحافی، حکیم؛ قربان صباغ، فاطمه و محمدی، علی (۱۳۹۶). مروری بر عوامل مخاطره‌آمیز فردی، بین فردی، محیطی و اجتماعی مرتبط با گرایش به سوء مصرف مواد مخدر. مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، ۲(۱۵)، ۲۳-۳۰.

شارع‌پور، محمود (۱۳۸۳). ابعاد و کارکردهای سرمایه اجتماعی و پیامدهای حاصل از فرسایش آن. تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور.

صدری دمیچی، اسماعیل؛ فیاضی، سینا و محمدی، نسیم (۱۳۹۵). بررسی رابطه خودکارآمدی و حمایت اجتماعی ادراک شده با آمادگی به اعتیاد در سربازان خدمت وظیفه. مجله طب نظامی، ۴(۱۸)، ۳۱۶-۳۲۴.

صدیق بنایی، هلن (۱۳۸۷). رسانه جمعی و سرمایه اجتماعی. تهران: مرکز آموزش و پرورش. صدیق سروستانی، رحمت‌اله (۱۳۸۵). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی). تهران: انتشارات آن.

عظیمی، فاطمه (۱۳۹۶). نقش سرمایه اجتماعی در کاهش گرایش به اعتیاد زنان سرپرست خانوار شهر زنجان. دو فصلنامه پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده، ۵(۲)، ۲۷۴-۲۵۹.

فرجاد، محمدحسین (۱۳۸۲). بررسی مسائل اجتماعی در ایران (فساد اداری، اعتیاد و طلاق). تهران: انتشارات اساطیر.

فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵). پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن. ترجمه غلام عباس توسلی. تهران: حکایت قلم نوین. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۹۷).

فیلد، جان (۱۳۸۸). سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضائی. تهران: انتشارات کویر. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۳).

قبادزاده، سیمین؛ مسعودی، مرضیه؛ محدخانی، شهرام و حسنی، جعفر (۱۳۹۶). عوامل رفتاری، هیجانی و اجتماعی مرتبط با اعتیاد. فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد، ۴(۱۳)، ۴۴-۱۳.

کجباف، محمدباقر و رحیمی، فاطمه (۱۳۹۰). مقایسه انگیزه‌های فردی-اجتماعی و سرمایه اجتماعی معنادان در گروه‌های درمانی شهر اصفهان. رویکردهای نوین آموزشی، ۶(۱)، ۱۴۸-۱۲۵.

کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظری اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی. (تاریخ انتشار نسخه اصلی، ۱۹۹۰).

گرچی گرسامی، علی؛ سیاه چشم، مهربی؛ موسوی بیجاری، جعفر و سیف، قدرت اله (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت شهروندان در پیشگیری از اعتیاد. فصلنامه علمی ترویجی

مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۲(۴۶)، ۱۰۳-۸۱.

گلستانی، فاطمه (۱۳۸۷). اثربخشی گروه درمانی مبتنی بر مراحل تغییر در پیشگیری از عود در معتادان به مواد مخدر مرد شهر کرمان. *اعتیاد پژوهی*، ۲(۸)، ۸۳-۱۰۴.

محمدی، اکرم؛ نقدی، اسدالله؛ علیوردی نیا، اکبر و کیانی، محسن (۱۳۸۹). بررسی جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی و اعتیاد اینترنتی در بین جوانان شهر همدان. *دوفصلنامه علمی-تخصصی پژوهشی جوانان، فرهنگ و جامعه*، ۵، ۲۷-۱.

مرادی‌فرد، طاهره؛ جوادی‌نیک، آمنه و صفرپور، سینا (۱۳۹۴). بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر گرایش نوجوانان و جوانان (۱۵ تا ۲۵ سال) شهر یاسوج به اعتیاد. *فصلنامه علمی-تخصصی دانش انتظامی کهگیلویه و بویر احمد*، ۸(۲۰)، ۶۱-۵۲.

مقصودی، سوره و شمس‌الدینی مطلق، محمدحسن (۱۳۹۵). بررسی تاثیر ابعاد سرمایه اجتماعی و ابعاد آن بر روی امنیت اجتماعی (مورد مطالعه: ساکنان بالای ۱۸ سال شهر کرمان). *مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، ۵(۱)، ۱۴۵-۱۲۱.

موسوی، زهره (۱۳۹۴). راهکارهای ارتقا مشارکت اجتماعی دانشجویان در پیشگیری از مصرف مواد مخدر و روان گردان‌ها. *فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد*، ۲(۷)، ۸۲-۶۳.

نقدی، اسداله؛ رضایی دره ده، مریم و زندی، فاطمه (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر ترک اعتیاد موفق در گروه (مطالعه موردی: مردان عضو NA در شهر نورآباد). *فصلنامه توسعه اجتماعی*، ۳(۹)، ۲۸-۷.

نیازی، محسن؛ عباس زاده، محمد و سعادت، موسی (۱۳۹۶). بررسی جامعه‌شناختی سهم مولفه‌های سرمایه اجتماعی در تبیین رفتارهای مخاطره‌آمیز (مورد مطالعه: جوانان ۳۴-۱۵ شهر تبریز). *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۸(۲)، ۱۰۱-۷۵.

یوسفی افراشته، مجید؛ امیری، محسن؛ مروتی، ذکراه؛ بابامیری، محمد و چراغی، اباذر (۱۳۹۴). عوامل حمایت‌کننده پایداری ترک مصرف مواد مخدر: یک مطالعه کیفی. *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۴(۳)، ۲۸۹-۲۸۰.

Aslund, C & Nilsson, K. W. (2013). Social capital in relation to alcohol consumption, smoking, and illicit drug use among adolescents: a cross-sectional study in Sweden. *International journal for equity in health*, 12(1), 33-44.

Awgu, E., Magura, S & Coryn, C. (2016). Social capital, substance use disorder and depression among youths. *The American journal of drug and alcohol abuse*. 42(2), 213-221.

Dearfield, C. T., Horn, K. A & Jipguer-Akhtar, M. C. (2017). Influence of social and neighborhood contexts on smoking cessation among urban minorities. *Journal of ethnicity in substance abuse*, 21, 1-17.

- Evans, C. B., Cotter, K. L., Rose, R. A & Smokowski, P. R. (2016). Substance use in rural adolescents: The impact of social capital, anti-social capital, and social capital deprivation. *Journal of addictive diseases*, 35(4), 244-257.
- Farnia, V., Alikhani, M., Jalali, A., Golshani, S., Salemi, S., Hookari, S & Juibari, T. A. (2018). The role of attachment styles and perceived social support in prediction of methamphetamine abuse. *Journal of Substance Use*, 23(4), 377-383.
- Granfield, R & Cloud, W. (2001). Social context and “natural recovery”: The role of social capital in the resolution of drug-associated problems. *Substance use & misuse*, 36(11), 1543-1570.
- Han, S (2018). A multilevel analysis of social capital and smoking behavior in Seoul, South Korea. *Journal of Substance Use*. 1-7.
- Jorge, K. O., Paiva, P. C. P., Vale, M. P. D., Kawachi, I & Zarzar, P. M. (2018). Alcohol intake among adolescent students and association with social capital and socioeconomic status. *Ciencia & saude coletiva*, 23, 741-750.
- Lardier Jr. D. T., Barrios, V. R., Garcia-Reid, P & Reid, R. J. (2018). Preventing Substance Use Among Hispanic Urban Youth: Valuing the Role of Family, Social Support Networks, School Importance, and Community Engagement. *Journal of Child & Adolescent Substance Abuse*, doi: 10.1080/1067828X.2018.1466748
- Lundborg, P. (2005). Social capital and substance use among Swedish adolescents—an explorative study. *Social Science & Medicine*, 61(6), 1151-1158.
- Treffers, S. (2016). *The Role of Social Capital in Drug Use and Dependence in Four Canadian Provinces*. Msc Dissertation, University of Windsor.
- Trentacosti, F. (2011). *Social capital, happiness and social net working sites, surfing alone: do countries with higher number of users in online communities have higher happiness levels?* Msc Dissertation in Development Economics, University of Sussex.
- Unlu, A & Sahin, I. (2015). The impact of mediating factors on youth social capital and substance use. *International Journal of Public Policy*, 11(1-3), 110-127.
- Unlu, A. (2009). *The impact of social capital on youth substance use*. Doctoral Dissertation, University of central Florida.
- Unlu, A., Sahin, I & Wan, T. T (2014). Three dimensions of youth social capital and their impacts on substance use. *Journal of Child & Adolescent Substance Abuse*, 23(4), 230-241.
- Wen, M (2017). Social capital and adolescent substance use: The role of family, school, and neighborhood contexts. *Journal of Research on Adolescence*, 27(2), 362-378.